

## در وصف انقلاب زن زندگی آزادی در صدمین روز تولدش

حمید تقوایی، صفحه ۲



### حضور حزب در انقلاب

متن گفتگو با کاظم نیکخواه در برنامه سازمانده در کانال جدید، صفحه ۸

### در سه روز اعتراض سراسری ۲۸ تا ۳۰ آذر چه گذشت

بخشی از گفتگوی تلویزیونی در برنامه خط رفاه با شهلا دانشفر، صفحه ۵

### تجربه ای از انقلاب ۵۷ که پنهان میشود

یاشار سهندی، صفحه ۳

### صد روز از انقلاب جاری گذشت

کوروش متین، صفحه ۷

۲ دی: تجمع اعتراضی صد هزار نفره در زاهدان و شهرهای دیگر سیستان و بلوچستان، و ...

صفحه ۱۵

۳۰ آذر: سومین روز فراخوان سه روز اعتصاب و اعتراض در تداوم انقلاب

صفحه ۱۳

۳۰ آذر: ادامه تجمعات خیابانی و شعار دهی های شبانه

صفحه ۱۳

۲۹ آذر: اعتصاب و تظاهرات و شعار دهی در دومین روز از سه روز اعتراض سراسری

صفحه ۱۴

۲۹ آذر: گسترش اعتراضات خیابانی در دومین روز فراخوان سه روز اعتصاب

صفحه ۱۴

۲۸ آذر: اعتصاب و تظاهرات و شعار دهی در اولین روز از سه روز اعتراض سراسری

صفحه ۱۵

گزارش حرکت اعتراضی کارگران ارکان ثالث در سوم دیماه

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

از مدیای اجتماعی، صفحه ۱۴

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۵۹

۱۴۰۱ دی ۵

۲۶ دسامبر ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

### جمهوری اسلامی باید از

کنوانسیون حقوق کودک

اخراج شود!

صفحه ۱۳

۵ دی: اعتراضات مردمی در

تداوم انقلاب

آزادی، برابری، حکومت

کارگری، صفحه ۱۱

۵ دی: اعتصاب کارگران

پتروشیمی آبادان

صفحه ۱۱

سه روز دیگر پر تپش انقلاب

۲۸ تا ۳۰ آذر، صفحه ۱۰

۳ دی: انقلاب در صدمین

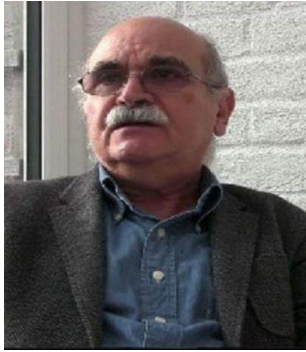
روز صفحه ۱۲

۱ دی: اعتراضات مردمی در

نود و هشتمین روز انقلاب

صفحه ۱۲

## در وصف انقلاب زن زندگی آزادی در صدمین روز تولدش



### حمید تقوایی

معیشت و منزلت همگان را به یغما برد. زن زندگی آزادی ضرورت خود را از تقابل یک جامعه به جان آمده با یک حکومت ضد زن، ضد زندگی، ضد آزادی کسب میکند.

این انقلاب در قالب تقسیم بندیهای انقلابات و تحولات تاریخ معاصر ایران نمیگنجد. نه مانند مشروطه آرمانش پارلمان و دولت ملی است و نه مانند جنبش دهه سی خواهان ملی کردن صنعت نفت و یا رشد صنایع است و نه مانند انقلاب ۵۷ بدنال استقلال از امپریالیسم و بزیر کشیدن سگ زنجیری امپریالیسم است، بلکه امر انسانی همه نسلهائی که در این انقلابات پیاخاستند و شکست خوردند را نمایندگی میکند. اینجا دیگر ناسیونالیستها و مذهبیون میداندار نیستند که یکی آزادی و رهائی را در محراب "اسلام علوی" و "الهیات رهانیخش" قربانی کند و دیگری در بارگاه درفش کاویانی و افتخارات ملی-میهنی. این مدعیان خود گمارده امتحان خود را پس داده اند و مردود شده اند. دوره ای سایه خدا و دوره دیگری آیت خدا حکم رانده اند و هر دو جز فقر و سرکوب و دیکتاتوری حاصلی برای مردم نداشته اند. اگر در ۹۶ مردم اعلام کردند "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا"، انقلاب حاضر اعلام میکند که نه تنها برای اسلامگرا از هر سنخی، بلکه برای ملی گران نیز ماجرا پایان رسیده است.

انقلاب زن زندگی آزادی دیگر نه با واسطه اسلامیسیم و یا ناسیونالیسم بلکه مستقیما و بلاواسطه به سراغ آزادی و رفاه و برابری رفته است. و این یک انقلاب نوین است، انقلاب قرن بیست و یکم. انقلاب نسل متولد در قرن و بیست و یکم، متکی بر تکنولوژی ارتباطی قرن بیست و یکم و تجربه خیزشهای قرن بیست و یکم. انقلابی که نه از انقلابات قرن گذشته بلکه از تحولات قرن حاضر می آموزد و الهام میگیرد: از جنبش اشغال، انقلابات بهار عرب، و خیزشهای ۸۸ و ۹۶ و ۹۸ در خود ایران.

### خصیلت جهانی انقلاب حاضر

جاذبه جهانی انقلاب که تا همینجا نام

انقلاب جاری انقلاب انسانی است. انقلاب انسانی برای یک جامعه انسانی. این یک توصیف احساسی، از سر شیفتگی و یا نوعی ادای دین به عزیزانی که در این صد روز از دست داده ایم نیست، بلکه یک واقعیت عینی و قابل مشاهده است. انسانی بودن انقلاب جاری، انسانیت در تمایز از و در برابر اسلامیسیم و ناسیونالیسم، یک واقعیت عینی است. در تحولات صد ساله اخیر ایران، از انقلاب مشروطه تا انقلاب ۵۷، بطور پیوسته ای دو جنبش سیاسی-اجتماعی، و متناظر با آن دو سیستم فکری-ارزشی، هم در صف انقلاب و هم ضد انقلاب فعال بودند: جنبش و تفکر اسلامیستی و جنبش و جهان بینی ناسیونالیستی. از آیت الله طباطبائی و بهبهانی و شیخ فضل الله نوری تا آیت الله کاشانی و خمینی و خامنه ای و از مجاهد خلق و پان ایرانیسم و جبهه ملی و نهضت آزادی، تا اپوزیسیون سلطنت طلب امروزی و شاهزاده تبری جسته و منصرفش، متعلق به این دو جنبش و سیستم فکری-سیاسی-ارزشی هستند. انقلاب جاری، به حکم شرایط عینی سیاسی-اجتماعی-اقتصادی که زمینه آنرا میسازد، نقطه پایان هر دو اینهاست. انقلابی که اجتماعا و بنا بر مشخصات عینی خود با اسلامیسیم و ناسیونالیسم هر دو تسویه حساب تاریخی خواهد کرد.

### زن زندگی آزادی

زن زندگی آزادی نماد و شعار این انقلاب است. این شعار و نمادی است که آزادی زن را به آزادی کل جامعه و به نفس زندگی پیوند میدهد. نه تنها به این خاطر که آزادی زن معیار آزادی هر جامعه ای است بلکه مشخصا به این دلیل که در واقعیت سیاسی-اجتماعی چهل ساله اخیر جامعه ایران رهائی کل جامعه به آزادی زن گره خورده است. جمهوری اسلامی با سرکوب زنان شروع کرد، با حجاب زنان، حجاب اختناق را بر کل جامعه گسترد، و به همراه تعرض به حرمت و شخصیت زن، حرمت و

را با خود به پیش میراند.

مها، شعار زن زندگی آزادی، و سرود "برای" را به آیکون و نمادی جهانی در میان میلیاردها انسان ساکن کره ارض بدل کرده است، دقیقا از خصیلت انسانی آن سرچشمه میگیرد. انقلاب مشروطه، جنبش ملی کردن صنعت نفت، و یا انقلاب ۵۷ نمیتوانست جهانی باشد چون امر خود را زیر پرچم ملی-مذهبی مطرح و دنبال میکرد. انقلاب جاری در دفاع از زن و زندگی و آزادی پیاخته و این امری جهانی است. تلقی و درکی از آزادی که در سرود "برای" زنده و ملموس و مشخص بیان شده، نه به جغرافیای معینی متصل است و نه به مذهب و قومیت و فرهنگ و سابقه تاریخی معینی. از زنان و توده مردم تحت سلطه طالبان تا جنبش "می تو" در غرب و از جنبش جهانی حفظ محیط زیست تا جنبش رنگین کمانی ها، از کارگران و کارکنان بزیر خط فقر رانده شده زیر بار ریاضتکشی اقتصادی در سراسر جهان تا پیاخاستگان در انقلابات نافرجام "بهار عرب" و جنبش اشغال در غرب و نود و نه درصدهای جهان، آرمان خود را در این انقلاب باز میجویند و امید تازه ای می یابند. زنان و دهه هشتادها علیه ارتجاعی ترین نظام تاریخ معاصر پیاخته اند و مشعلی برافروخته اند که شعله هایش از هر کران پیداست. جای تعجب نیست که چنین انقلابی در جمهوری اسلامی شکل میگیرد چرا که اینجا ضد انسانی ترین، وحشی ترین و جبروتی تمامی پلیدی ها و تبهکاریهای یک درصدهای حاکم عصر ما در قدرت است. قعر ارتجاع، اوج آزادی را در برابر خود بمیدان آورده است. فتر فشرده شده ای به پیش می جهد و از درک و تلقی جهانی از آزادیخواهی و رهائی و انسانیت



از صفحه ۲

ممکن است این حقایق غلو آمیز و یا اظهاراتی از سر ذوقزدگی و خیالپردازی تلقی شود اما در همین صد روز اول همه این نشانه های امید بخش را میتوان مشاهده کرد. کافی است مروری بکنید به هزاران کلیبی که از خیابانهای ایران به جهان مخابره میشود، به همراهی و همدلی مردم کردستان و آذربایجان و بلوچستان و چهار گوشه ایران، به شعار "یاشاسین کردستان، بژی آذربایجان"، به سخنان رادیکال سارینا اسماعیل زاده، به گفته های گوهر عشقی مادر ستار بهشتی، به سخنرانی مادر کیان بر سر مزار فرزندش، به مصاحبه مجیدرضا قبل از اعدامش، به حرکاتی مثل عمامه پراکنی در خیابانها و درهم شکستن دیوار آپارتمان جنسی در دانشگاهها، به توییت های ریشخند مذهب و به سخره گرفتن تابوها و مقدسات اسلامی، به زبان حال درختان فرسوده در هوای آلوده و کودکان افغانی و زباله گرد در سرود "برای"، به سخنرانی ها و مراسم های ضد مذهبی در خاکسپاری ها و در چهلم ها، به رقص دهه هشتادها به گرد حجابهای به آتش کشیده شده در خیابانها، و بالاخره به موج جهانی حمایت و همبستگی با انقلاب ایران و آیکونهایش در چهار گوشه دنیا. اینها همه نشانه ها و نمادهای انقلابی است که میخواید نه تنها جامعه ایران بلکه جهانی را زیر و رو کند. میخواید عالمی از نو بسازد و از نو آدمی! آزادی مبارک باد!

حمید تقوایی  
۳ دیماه ۱۴۰۱

## در وصف انقلاب ...

و تابوهای ملی- مذهبی، علیه هر نوع دولت و تئوریته مافوق مردم بمیدان آمده است. این انقلابی است برای بازگرداندن اختیار به انسان، در ایران و در خاورمیانه و در تمام جهان!

### معنی پیروزی انقلاب

آینده ای که این انقلاب میخواید و بالقوه میتواند بسازد نیز در چهارچوب مدلهای گذشته نمیگنجد. چهره اثباتی این انقلاب، و معنی و مضمون پیروزی آن نمیتواند چیزی کمتر از دخالت و ایفای نقش مستقیم مردم در اداره جامعه باشد، یعنی چیزی کمتر از آنچه در قرن ۱۸ کمون پاریس، در قرن بیستم انقلاب اکتبر، و در قرن ما جنبش اشغال میسر آن بود. آنها شکست خوردند اما امر و آرمانشان هرگز شکست نخورد و امروز ایران قرن بیست و یکم نوید بخش تحقق و پیروزی این آرمان است. همه این تجارب، و بویژه تجربه ایران معاصر، نشان میدهد انقلاب جاری اگر متضمن آزادی از بردگی مزدی نباشد به آزادیهای مدنی هم نخواهد انجامید؛ اگر برابری اقتصادی را تضمین نکند به برابری سیاسی و مدنی هم منجر نخواهد شد؛ اگر تبعیض طبقاتی را بر نیندازد، هیچ تبعیض دیگری را نیز ریشه کن نخواهد کرد. انقلاب حاضر نیز مانند هر انقلاب دیگری حرکتی اعتراضی- انتقادی و براندازانه علیه حکومت و نظم موجود است اما هر چه این نقد ریشه ای تر و عمیق تر باشد بنایی که در آینده برپا میکند انسانی تر و آزاد تر خواهد بود. و انقلاب جاری تا همینجا نشان داده است که پرچمدار ریشه ای ترین نقد به ارکان نظم موجود است.

## تجربه ای از انقلاب ۵۷ که پنهان میشود

### یاشار سهندی

این یک سوی قضیه است؛ سوی پر شکوه و انسانی ای که با فعالیت متشکل کمونیستهایی که در حزب کمونیست کارگری جمع شده اند ممکن گردیده است. خود این حزب اما نتیجه تجربه انقلاب ۵۷ است. در بحبوحه آن انقلاب کمونیستها به این درک رسیدند که بدون "ستاد طبقاتی طبقه کارگر"، یعنی حزب کمونیستی، کار زیادی از طبقه کارگر بر نمی آید.

سوی دیگر قضیه این است که کمونیستهایی هم هستند که در اشاره خود به انقلاب ۵۷ این تجربه و این دستاورد را درز گرفته اند و اصلا به روی خود نمی آورند که یک زمانی کمونیستها در ایران "هدف اساس جنبش کمونیستی، تشکیل حزب کمونیست" میدانستند، اما امروز چون منفرد و "مستقل" شده اند، چون کشف کرده اند به تنهایی نمیتوانند کارهای بزرگتری صورت دهند، لام تا کام در مورد متشکل شدن در حزب کمونیستی حرفی به میان نمی آورند و نه تنها این، بلکه کشف کرده اند که جنبش کارگری "بدون برخورداری از حزب مستقل" قادر است "انقلاب عظیم علیه استبداد حاکم" را سازمان بدهد. تا آنجا این بحث را توسعه داده اند که برخی بی خیال حتی "شکل مستقل محیط کار" شدند، چه رسد به حزب سیاسی طبقه کارگر. گاه در تناقض گویی شاهکار می آفرینند. از سویی تاکید میشود بدون هیچ تشکلی میتوان به رهایی رسید، از سویی تاکید میکنند فعالین کارگری با "همکاران و همیاران" بنشینند گفتگو کنند که تشکل در محیط کار شکل بگیرد و حزب طبقاتی کار هم نتیجه خرد جمعی این فعالین است. بیچاره فعالین کارگری!

کشف کرده اند حزب "خدمات تئوریک" ارائه نمی دهد(!) و "این جاده دو طرفه است"؛ خود کارگران باید بکوشند آگاهی سوسیالیستی را نشر دهند! و بعد چون یک پیر دنیا دیده فریاد می زنند: "پس کجایند آن محافل کارگران و آن مبارزان سخت کوش، که در عرصه "مبارزه نظری و فکری" و جنگ بر سر

انقلاب زن، زندگی، آزادی صدمین روز خود را پشت سر گذاشت. در این صد روز یک دنیا شوق و امید؛ امید به تغییر، شوق یک زندگی بهتر در دلهای مردم ایران و جهان زنده شد. انقلاب در حال چاق کردن نفس خود است تا با هجوم وسیع دیگری بار دیگر خیابانها را به تسخیر خود درآورد. انقلاب ساکت نشده و آرام نگرفته بلکه این روزها در مبارزه سهمگین علیه اعدام حضور قاطع خود را اعلام می کند.

یکی از ویژگیهای این انقلاب این است که خواسته هایی که می شد انتظار داشت در فردای سرنگونی حکومت اسلامی مطرح شود را پیش از سرنگونی حکومت اسلامی به دستاوردی مهم تبدیل کرده است. در قدم اول، حجاب سوزانده شد و ضربه ای مهلک بر مرد سالاری و مذهب فرود آورد. اکنون مبارزه توده ای در سراسر ایران، علیه اعدام شکل گرفته است. در جایی مانند سیستان و بلوچستان که جنبش اسلامی در لباس مذهب سنی هنوز نفس میکشد، شعار "مرگ به جمهوری اعدامی" شعار اصلی مبارزات مردم گردیده و در سراسر ایران منعکس شده است و این خود ضربه ای دیگر نه تنها به حکومت اسلامی بلکه به جنبش اسلامی در هر رنگ و نقش وارد کرده است. اینها دستاوردهایی است که هیچ نیرویی نمی تواند آنرا پس بگیرد.

ما بارها تاکید کرده ایم که برای آلترناتیو شدن کمونیسم و چپ وظیفه کمونیستها تعمیق کردن "نه مردم است و در این صورت است که اپوزیسیون راست ایزوله خواهد شد. در این روزها، یکی از راههای ایزوله کردن هر چه بیشتر این اپوزیسیون مبارزه علیه اعدام به عنوان قتل عمد دولتی است که اکنون به شکل فراگیر بروز پیدا کرده است. این دستاورد را نیز باید به حساب کمونیسم کارگری نوشت. چرا که اولین بار دو دهه پیش مبارزه علیه اعدام را یکی از عرصه های مهم مبارزه علیه حکومت اسلامی و کل بورژوازی دانست و عملا برای لغو این حکم ضد انسانی مبارزه کرد.



از صفحه ۳

## تجربه ای از انقلاب ...

کمونیستها درز گرفته شود و به فعال کارگری احاله میشود. بالاخره برای راحتی وجدان خود این هم کاری است که روزی مدعی شوی ما که گفتیم شکست میخوریم!

منصور حکمت یکی از خصوصیاتش این بود که خیلی ساده حرف میزد. مسئله را نمی پیچاند، پوشش فلسفی و تئوری آنچنانی نمی داد که ده تا منبع فلسفی را زیر و کنی آخرش نفهمی داستان سرچی بوده! در سال ۱۹۸۹ در اولین سمینار مبانی کمونیسم کارگری جمله ساده ای بیان کرده که شاید به گوش هیچکس نرسید. او در مورد جنبش کمونیسم کارگری گفت: "من طرفدار یک جنبش سوال داشتن نیستم، طرفدار جنبش جواب دادن هستم". او خواستار جنبشی بود که در متن باشد نه حاشیه. نیست که ببیند اگر در سال ۵۷، کمونیستهایی که جدی بودند و مسئله شان رهایی جامعه بود در فکر چند و چون تشکیل حزب طبقه کارگر بودند؛ اکنون اما کمونیستهایی هستند که نه تنها اهل جواب دادن نیستند بلکه حتی سوال داشتن را هم ترک کرده اند و همه چیز را محول به دیگران کرده اند و ایشان نقشی جز هشدار دادن برای خود قایل نیستند: "آهای ایها الناس مواظب باشید. فعالین کارگری دست بجنبانید که اپوزیسیون راست دارد می آید!" برای کسانی که دچار سندروم کابوس شکست انقلاب ۵۷ شده اند، همه تلاشی که در بطن انقلاب ۵۷ برای شکل گیری حزب سیاسی کارگران شد، عمدا فراموش میشود تا همه آن چیزی را که یک حزب

تصویر از حال و آینده، به چاپ، توزیع و پخش "مانیفست" دوران ما بر روی کاغذ و در تیراژ فراوان برای "تئور افکار" به میدان بیایند؟ یکی دیگر می گوید: "رفقای کارگر، فرصت را از دست ندهید، فرصت زیاد ندارید، خود را با ایجاد کمیته های مخفی و مسلح در محل کارگر، هسته های اولیه حزب سیاسی، متشکل و متحد و مسلح نمایند که جنگ طبقاتی جنگی ناگزیر است. مرگ و زندگی هر دو ممکن هستند!" یکی دیگر می گوید: "کار روی طبقه کارگر و بیکاران (!!!)" و به میدان آوردن این لشکر سی میلیونی باید از اولویت اول در برنامه کار فعالین سیاسی و رهبران کارگری قرار بگیرد. " و دیگری: "...وجود یک جنبش چپ به تنهایی برای پیروزی آن کافی نیست. این جنبش باید تعین یابد ... این تعین یابی وظیفه همه لیدرهای جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی و کمونیستها و چپهای جامعه است که (هیچ جا متشکل نیستند!) با اتکا به رهبران و لیدرهای حاضر در میدان جنگ با جمهوری اسلامی به آن شکل بدهد و قابل انتخاب کند."

و این دوستان، هر کدامشان یک جوری هم سخن می گویند که هر کس نداند فکر میکند از پایگاهی در میان طبقه برخوردارند. اما به واقع این سلب مسئولیت کردن از خود، روی دیگر اپوزیسیون راست هراسی است که در صد روز گذشته اولویت اول و آخرشان شده. هراس افکنی از تجربه انقلاب ۵۷، وقتی تکمیل میشود که مهمترین وظیفه

کارگردان که افق سراسری و فراگیر طبقه کارگر را گم نمیکنند و در همه دقایق و مراحل مبارزه آنرا دنبال و نمایندگی میکنند... این سخنان در شرایطی میگفت که حزب کمونیست تشکیل شده بود که خود نقشی اساسی در آن اتفاق داشت. اما او را راضی نمی کرد چون مشاهده میکرد که با وجود تشکیل حزب کمونیست، کمونیستها "منشا اثر" نیستند برای همین خواستار حزبی بود که ریشه اش به جنبش جواب دادن برگشت.

"جنبش جواب دادن" جنبشی است که اراده کرده در برابر حکومت نماینده کل جامعه باشد و در برابر جامعه نماینده طبقه کارگر و این تنها متشکل شدن کمونیستها در حزب کمونیستی ممکن است. خوشبختی ما کارگران ایران در سال ۱۴۰۱ در بطن انقلاب زن، زندگی، آزادی این است که بر خلاف سال ۵۷ اکنون این حزب وجود دارد. حزب کمونیست کارگری، حزبی سرشار از تجربه در مبارزه علیه سرمایه داری و حکومت اسلامی سرمایه، حزبی که بخشی از طبقه کارگر است و افق سراسری و فراگیر طبقه کارگر، رهایی کل جامعه را گم نمیکنند و در همه دقایق و مراحل مبارزه آنرا دنبال و نمایندگی میکنند. تجربه ای از انقلاب ۵۷ که خیلی ها مایل نیستند آنرا بخاطر آورند.

کمونیستی باید انجام دهد بر دوش فعالین و لیدرهای جنبش کارگری می اندازند تا بی عملی و بی اثری خود را بپوشانند. منصور حکمت در همان سخنرانی تاکید میکند: "حزب کمونیستی باید حزبی کارگری باشد... حزب کارگری به اعتبار اینکه تئوری انقلاب طبقه کارگر را دست گرفته یا در جهت منافع طبقه کارگر پیکار میکند یا چیزی شبیه این کارگری محسوب (نمیشود)... حزب توده ای کارگران، حزبی که کارگران در مقیاس وسیع در آن عضو باشند تنها تحت شرایط معینی بدست میآید. تنها تحت شرایط خاصی احزاب کمونیستی امکان پیدا میکنند حزب توده ای کارگران باشند. پس بهر حال این حزب حزب بخشی از طبقه کارگر است. .... من فکر میکنم حزب کمونیست قرار نیست به این معنی حزب پیشاهنگ ایدئولوژیکی و تئوریک باشد. خود حزب، به اعتبار مارکسیسم و برنامه سوسیالیستی و سیاسی اش، به معنای سیاسی و فکری کلمه، پیشاهنگ طبقه است. ... وقتی مارکس از این حرف میزند که کمونیستها چه هستند و چه نیستند، فوراً به رابطه کمونیستها با سایر بخشهای جنبش کارگری اشاره میکند. میگوید کمونیستها آن بخشی از طبقه کارگر هستند که در تمام دقایق این مبارزه و اعتراض طبقه حضور دارند اما آن بخشی از طبقه

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID  
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv  
nctv.tamas@gmail.com



## در سه روز اعتراض سراسری ۲۸ تا ۳۰ آذر چه گذشت بخشی از گفتگوی تلویزیونی در برنامه خط رفاه با شهلا دانشفر

**حسن صالحی:** فراخوانی از سوی دانشجویان، جوانان انقلابی محلات از شهرهای مختلف و دانش آموزان برای روزهای ۲۸ تا ۳۰ آذر داده شده بود. در این سه روز چه گذشت و چنین فراخوانهایی چه جایگاهی در روند انقلاب دارند؟

**شهلا دانشفر:** فراخوانی که از سوی دانشجویان، جوانان انقلابی محلات و دانش آموزان برای روزها ۲۸ تا ۳۰ آذر داده شده بود، با تحرکی که در پی داشت یک اتفاق سیاسی مهم در روند انقلاب بود. اعدام دو جوان معترض مجید رضا رهنورد و محسن شکاری و صدور احکام اعدام بیشتر از سوی رژیم، خشم و نفرت جامعه را بیشتر شعله ور کرد و مردم در اشکال مختلف به آن واکنش نشان دادند و مقابلش ایستادند. در چنین شرایطی بود که فراخوان سه روزه ۲۸ تا ۳۰ آذر داده شد و این بیش از هر چیز نشانگر عزم جزم جامعه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بود. این فراخوان علیه اعدامها و سرکوبگریهای حکومت داده شد و وسیعاً در سطح جامعه پخش شد و تحرک گسترده ای را با خود همراه داشت. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت قبل از این فراخوان بیانیه داده بود و اعلام کرده بود که جواب این اعدامها و این سرکوبها را باید با اعتصاب داد. این اعدامها دودش به چشم ما کارگران و ما مردم میرود. این اعدامها یعنی تعرض به معیشت و زندگی ما. بنابراین قبول نمیکنیم و بر اعتصاب سراسری تاکید کرده بود. وقتی فراخوان سه روزه ۲۸ تا ۳۰ آذر داده شد این شورا از آن اعلام پشتیبانی کرد و همه بخش های کارگران شاغل در نفت، کارگران رسمی، پیمانی، ارکان ثالثی و کارگران در بخش های عملیاتی و حفاری و پالایشگاهها همه و همه را به پیوستن به این فراخوان علیه اعدامها و سرکوبها فراخواند. نفس اینکه کارگر نفت چنین جلو افتاد و پشیمان شد و از ابتدا تاکید کرد که اعتصاب راه جلوگیری این سرکوبگریهاست و بعد نیز خود از این فراخوانها حمایت کرد،

نشانگر بعد سیاسی و اجتماعی فراخوان به سه روز اعتراض اعلام شده را به نمایش میگذارد. علاوه بر شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت، بازنشستگان، پزشکان و کادر درمان و در سطح وسیع اجتماعی از این اعتراضات اعلام حمایت شد. در سطح میدانی نیز ما شاهد تحرکات وسیعی در سطح جامعه بودیم. از جمله دانشجویان با اعتصاب و اعتراضات نمادین خود در این روزها دست به اعتراض زدند. دانش آموزان از مدارس در چندین شهر مثل کرمانشاه، زاهدان، جوارود، و اهواز به خیابان آمدند و شعارهای اعتراضی دادند. ما همچنین شاهد تعطیلی و اعتصاب بازار در برخی از شهرها بودیم. بعلاوه اینکه جمهوری اسلامی از ترس گسترش دامنه اعتصابات از قبل دانشگاهها و مدارس را به بهانه آلودگی هوا تعطیل اعلام کرده بود. تظاهرات های شبانه نیز در این روزها گسترده تر و بویژه در محلات بیشتری در شهر تهران برپا شد. در برخی از این محلات از جمله در مسیر خیابان انقلاب شاهد راهپیمایی و شعار دهی مردم بودیم. همچنین در متروهای متعددی در تهران که محل رفت و آمد وسیع مردمی است، تجمعاتی صورت گرفت و شعارهای اعتراضی سر داده شد. در این اعتراضات علاوه بر شعارهای ضد حکومتی و فریاد "زن، زندگی، آزادی" دو شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "اگر یکی اعدام بشه، فردا قیامت میشه" برجستگی داشت. در این سه روز همچنین رزیدنت های بیمارستان رسول اکرم و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تجمع داشتند. سینماگران نیز در اعتراض به بازداشت سینماگر مبارز ترانه علیدوستی و علیه سرکوبگریهای حکومت در مقابل اوین تجمع برپا کردند. و بالاخره حمله به پایگاههای بسیج و مراکز سرکوب و به آتش کشیدن نمادهای حکومتی در شهرهای مختلف بخش دیگری از اعتراضات مردمی در این سه روز اعتراضی بود. از سوی دیگر یادمان های جانباختگان انقلاب به محلی برای اتحاد

جعفر عظیم زاده ها، پروین محمدی ها، ناهید شقایق ها و آیشا اسداللهی ها را میبینیم. همه این اتفاقاتی که برشمرم نشان میدهد که چه هفته پرتلاطم سیاسی ای را پشت سر گذاشته ایم و اینها همه نشانگر پاسخ وسیع جامعه به چنین فراخوانهایی است. به عبارت روشنتر فراخوانهای متوالی به اعتراضات سراسری نقش مهمی در متحد نگاهداشتن صف اعتراضات مردمی در برابر سرکوب و جنایت رژیم و گسترش دامنه انقلاب و تداوم آن دارد.

**حسن صالحی:** تا کنون چندین فراخوان سراسری داده شده است. و آخرینش فراخوان سه روز ۲۸ تا ۳۰ آذر بود. در فراخوانهای قبلی از جمله در گرامیداشت سالگرد خیزش مردمی در آبان ۹۸ فراخوان ۲۴ تا ۲۶ آبان را داشتیم که دامنه اعتراضات مردمی در آن سه روز به بیش از صد شهر کشیده شد. بازار در بیش از ۶۰ شهر در اعتصاب بود. دانشگاهها در اعتصاب و تجمع بودند. در مدارس تحرکات بسیاری را شاهد بودیم و در مراکز چون ذوب آهن، کروم کارگران دست به اعتصاب و تجمع زدند. پزشکان به اعتراض پیوستند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان اعلام پشتیبانی کرد. و اتفاقات بسیاری دیگر که همه در جریانید. تفاوت فراخوان سه روزه ۲۸ تا ۳۰ آبان نسبت به فراخوانهای قبلی چه بود؟ با توجه به نکاتی که اشاره کردید آیا میشود گفت که انقلاب در عمق و اشکال مبارزه و رادیکال شدن شعار و خواستها و مطالبات پیشروی بیشتری داشته است؟

**شهلا دانشفر:** این فراخوانها در مقاطع مختلفی از انقلاب است که داده شده اند. ولی همه آنها با حمایت بخش های مختلف جامعه روبرو شده و پاسخ گرفته

مبارزاتی مردم علیه حکومت اسلامی تبدیل شده است و در این روزها در شهرهای مختلفی از جمله در تهران، نوشهر، کرج، بندر انزلی، سنندج، گرگان، هشتگرد کرج، شیراز، آلی کند بوکان، کامیاران این یادمانها برگزار شد. بویژه مردم در دل انقلاب شب یلدا راکه بلند ترین شب سال است به شب گرامیداشت جانباختگان انقلاب تبدیل کردند و در بسیاری از شهرها با اجتماع و گلباران کردن مزار آنان صحنه های زیبایی از اعتراض و مبارزه را آفریدند. در همین راستا مردم مزار محسن شکاری جوان معترضی که بدست مزدوران حکومت به قتل رسید را گلباران کردند و در مشهد با دسته های گل به مزار مجید رضا رهنورد جوان دیگری که بدست حکومت اعدام شد، رفتند و وقتی دیدند اجازه رفتن به مزار وی را نمیدهند در مدیای اجتماعی خبر را رسانه ای کردند و عکس هایی از گلها را منتشر کردند و اعلام کردند که همه این گلها نثار مجید رضا رهنورد عزیز است. در عین حال بیانیه های اعتراضی علیه اعدامها بخش دیگری از اعتراضات مردمی است. از جمله بیانیه ای که با امضای اولیه ۲۳۵ نفر از اعضای تشکلهای مختلف و فعالین حقوق زنان، نویسندگان، کارگران، معلمان، بازنشستگان، مادران دادخواه و خانواده های خاوران، هنرمندان، شاعران و دیگر فعالین اجتماعی و مدنی در محکومیت اعدام فعالان بلوچ و کرد در کنار اعدام "محسن شکاری"، "مجیدرضا رهنورد" و صدور احکام محاربه و اعدام سایر معترضین قیام "زن، زندگی، آزادی" را داشتیم که شمار بسیاری از مردم معترض با گذاشتن امضای خود به آن پیوسته اند. بیانیه ای که در آن اسامی چهره های شناخته شده کارگری و فعالین اجتماعی ای چون اسماعیل بخشی ها،



از صفحه ۵

## در سه روز اعتراض سراسری ...

اند. تفاوتی که اینبار ما شاهد آن هستیم اینست که آن نیروهایی که به این حرکت پیوسته اند، نیروهایی هستند که با ورودشان به اعتراضات با خود موج وسیعتری از مردم را به میدان مبارزه می آورند. و این خطر بیشتری متوجه حکومت میکند. مثلاً در همین فراخوان سه روز اعتراضات ۲۸ تا ۳۰ آذر ماه می بینیم که شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت اعلام حمایت میکند و دو روز قبلش نیز ما اعتراضات بزرگ و سراسری کارگران رسمی نفت را داشتیم. از سوی دیگر نیز پزشکان و کادر درمان اعلام همبستگی کردند و رزیدنت های بیمارستان رسول اکرم تجمع داشتند. از سوی دیگر نیز همانطور که اشاره کردم جمعاعات متوالی سینمگران در مقابل اوین را داشتیم. وقتی همه این اتفاقات را کنار هم میگذارید مشاهده میکنید که نیروی اجتماعی وسیعی از دانشجویان، دانش آموزان، سینماگران و هنرمندان، کارگران، پزشکان و کادر درمان، خانواده های جانباختگان و زندانیان سیاسی و جمعیت عظیم مردم در سنین مختلف درگیر این انقلاب هستند. در این سه روز همچنین در درون زندانهای چون زندان مرکزی رجایی شهر و قائمشهر شاهد شورش علیه اعدام بودیم. بنابراین در پاسخ به فراخوانهای اعتراضی امروز همانطور که اشاره کردیم ما هم شاهد تعمیق انقلاب به لحاظ خواستها، شعارها و اشکال اعتراض آن هستیم و هم به لحاظ پتانسیل نیرویی که با خود وارد میدان مبارزه میکند، تفاوت هایی را شاهدیم. از جمله توجه شما را به جمعبندی ای که دانشجویان پیشرو دانشگاه داشتند جلب میکنم. آنها در جمعبندی شان ضمن ابراز خوشحالی از حضور وسیع مردم سخن خود را با شعار زن، زندگی، آزادی، آزادی، آزادی، برابری پایان میدهند. و یا برای مثال در برابر سرکوبگری های حکومت ما شاهد این هستیم که شعارهای "زندانی سیاسی

آزادی باید گردد" و "اگر یک اعدام بشه، فردا قیامت میشه" در کنار دیگر شعارهای ضد حکومتی برجستگی بیشتری پیدا کرده است. و یا بیانیه هایی از نوع "بیانیه مخالفت با اعدام" منتشر میشود که اعدام را قتل حکومتی میخواند و با سر سخن "زن زندگی آزادی یعنی پایان دادن به احکام ارتجاعی «اعدام»، بدون هیچ چون و چرایی" بر لغو فوری احکام اعدام و پایان دادن به مجازات اعدام تأکید میکند.

**حسن صالحی:** بیانیه ۲۳۵ نفر که از سوی اعضای از تشکلهای کارگری، کانون نویسندگان، بازنشستگان، معلمان، هنرمندان و غیره منتشر شده و به آن اشاره کردید یکی از آن نمونه های مهم است که نقد خیلی درستی علیه اعدام دارد. به اینکه اعدام جایگاهش چیست میپردازد و حتی به جایگاه آن در حکومت سابق اشاره میکند و با نقد عمیق آن ارتباط آنرا با شعار زن، زندگی، آزادی بیان میکند و بر ملغی شدن اعدام تأکید میکند. این اقدام خیلی اهمیت داشت. معلوم است که کارگران در اعتراضاتشان مطالبات اقتصادی و رفاهی خود را طرح میکنند. اما در این بیانیه ما می بینیم که فعالین شناخته شده کارگری اینبار بیانیه شان نه در مورد خواستها و مطالبات رفاهی خود بلکه در مورد مطالبات عمومی جامعه و اعتراضات مردمی و علیه اعدامها است. من خودم این بیانیه را امضا کردم و شمار امضا کنندگان آن بسیار بالا رفته است و هم از داخل کشور و هم خارج کشور آنرا امضا کرده اند. از نظر شما این اقدام چه وزن و اهمیتی در شرایط امروز دارد؟

**شهلا دانشفر:** منم با شما هم نظرم و حقیقتاً اقدام بسیار مهمی بود. این بیانیه دو جمله بسیار زیبا و قابل توجه دارد. یکی جمله اتحاد و همبستگی در مخالفت علیه اعدام و قدمی عملی در راه این اتحاد همبستگی از سوی اعضا و اکتیویست های تشکلهای مختلف کارگری، کانون

نویسندگان و فعالین زن و معلمان و بخش های مختلف اجتماعی است. اینها اعضای از جنبش های اجتماعی مختلف هستند که کنار هم قرار گرفته و چنین کيفرخواستی را علیه اعدام داده اند و بر پایان دادن به اعدام و اعدامها تأکید میکنند. از همین رو این فقط یک بیانیه نیست بلکه یک قدرتمایی بزرگ اجتماعی و فراخوان به کارزاری سراسری علیه اعدام است. این بیانیه انسانیهای است که خود در شکل گیری و حرکت رو به جلوی جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی مختلف و کشیده شدن اوضاع به شرایط امروز نقش داشته اند. این بیانیه کسانی است که هر کدام از آنها نیروی مهم یک اعتراض و جنبشی هستند. و به این اعتبار اقدام بسیار بسیار مهمی است و به نوعی نقش یک تظاهرات و یک تجمع بزرگ اعتراضی را دارد. جمله زیبای دیگر این بیانیه اینست که میگوید اگر شعار و نام قیامی که با خون (مهسا) ژینا امینی آغاز شد، زن زندگی آزادی است، پس باید هر چه رساتر اعلام کنیم که اعدام یک قتل عمد حکومتی است و هیچ انسانی با هیچ دلیلی نباید اعدام شود. و بعد با محوریت ؛ «اتحاد و همبستگی علیه احکام ارتجاعی اعدام؛ از تمامی فعالین سیاسی، اجتماعی و تشکل های صنفی برای تشکیل کارزاری علیه اعدام، دعوت میکند. و همانطور که گفتید این بیانیه ضمن نقد عمیق به اعدام و اینکه چگونه به عنوان ابزاری در دست دیکتاتوری ها چه در نظام پادشاهی و چه امروز برای ایجاد خفقان در جامعه به کار برده شده، میگوید نه فقط باید همین امروز اعدام ها متوقف

و احکام اعدام لغو شوند. بلکه اعدام قتل حکومتی است و این مجازات باید بطور کل لغو شود. بدین ترتیب این بیانیه بطور واقعی کيفرخواست کل جامعه علیه اعدام است. و عمق انقلاب را که در موردش صحبت میکردیم به روشنی نشان میدهد. ما باید شاهد انتشار بیشتر چنین بیانیه هایی از سوی جامعه خصوصاً از سوی رهبران کارگری و اکتیویست های اجتماعی باشیم. به عبارت روشنتر جامعه هر چقدر حرفهای روشنتری در مورد نقد و اعتراضی که به سیستم توحش سرمایه داری حاکم و این شرایط دارد بزند، تصویر روشن تری از جامعه آینده و اینکه مردم بدنبال سرنوشتی این حکومت چه نوع جامعه ای را میخواهند، داده است. و در بستر چنین حرکتی است که عملاً هر نوع نگرش راست، تفرقه افکنانه، ضد انسانی کنار زده میشود. و از این منظر نیز انتشار این بیانیه اقدامی بسیار مهم است. و ما امروز از جمله باید شاهد چنین بیانیه هایی در تمام عرصه و بطور مشخص در دفاع از حقوق کودک باشیم. حکومتی که کودک کش است و مردم شعار میدهند: حکومت کودک کش، نمیخوایم، نمیخوایم. با چنین بیانیه هایی طبقه کارگر میتواند عرض اندام سیاسی کند و همانطور که همواره چنین نقشی را داشته و توانسته است گفتمان ها را دیکال و چپ و انسانی را به جلو بیاورد، اکنون نیز میتواند در دل انقلاب در همین قامت ظاهر شود. و بیانیه ۲۳۵ نفر یک نمونه ا ز آن است.

**حسن صالحی:** شهلا دانشفر بسیار ممنونم که در این برنامه شرکت کردید.

## زن، زندگی، آزادی!

## صد روز از انقلاب جاری گذشت

### کورش متین

خیزش اعتراضی که پس از مرگ مهسا امینی در تاریخ ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۱ شروع شده بود، یکصد روز پر تلاطم را پشت سر گذراند. اعتراض به قتل مهسا امینی در بازداشتگاه پلیس، بلافاصله و با خاکسپاری او تبدیل به اعتراضات ضدحکومتی شد. مردم در شهر سقز خیابانها را به تصرف درآوردند و به ساختمان فرمانداری حمله کردند و جنگ و درگیری کل شهر را در بر گرفت. روز سوم قتل مهسا، اکثر شهرهای کردستان به صحنه اعتراضات خیابانی تبدیل شد و پس از آن اعتصابات عمومی گسترده‌ای برقرار گردید. مردم آزادیخواه و انقلابی ایران در تمامی شهرها به خیابانها آمدند و علیه حکومت دست به تظاهرات زدند. خیابانهای شهرهای مختلف به صحنه‌ی یک قیام انقلابی تمام معنا تبدیل شد.

حکومت تمام تلاشش را کرد تا ماجرا را به مرگ مهسا محدود کرده و با اعلام شفاف سازی از آن ماجرا را خاتمه دهد. از طرف دیگر نیز دم و دستگاه سرکوبش دست به کشتار مردم زده تا فضای رعب و وحشت شدیدی برای به خانه راندن مردم ایجاد کنند. اما این خیزش سریعاً ماهیت خود را نشان داد. ماهیتی کاملاً سرنگونی طلبانه و با خواست برچیدن تمامی ارکان استبداد حکومتی. مردم در خیابانها زن، زندگی، آزادی را صدا زدند و خواهان پایان دادن به حاکمیت حکومتی شدند که زن را به بند و انقیاد کشانده، زندگی را به یغما برده و آزادی در آن جایگاهی ندارد. مردم معترض به خوبی دریافته بودند که برای دستیابی به هر درجه از آزادی و زندگی طلبی باید حکومت را سرنگون کرد و زنان با خواسته‌های مترقی و آزادیخواهانه

در صف اول این خیزش قرار گرفتند. این خیزش سراسری به همین جا ختم نشد. معلمان به صحنه اعتراض آمدند و تحصن‌هایی سازمان دادند. دانشجویان دانشگاه‌ها را به سنگر اصلی آزادیخواهی تبدیل کردند و دانش‌آموزان با اعتراضاتشان در مدرسه و خیابان به کابوس حکومت تبدیل شدند. کارگران اعتراضاتشان گسترده شد و حتی مواقعی



اعتراضات سیاسی و ضدحکومتی به راه انداختند. پدیده اعتصابات عمومی سراسری شد و تمامی شهرهای کشور در پی فراخوانهایی دست به تعطیلی عمومی زدند و اراده سرنگونی طلبانه‌ی خود را در ابعاد ده‌ها میلیونی به رخ حکومت کشاندند.

دنیا این صحنه‌ها را میدید و این خیزش توانست همبستگی‌های وسیعی در سطح جهانی را به خود جلب کند. از همان روز اول نیروی بسیاری همصدا با مردم آزادیخواه ایران علیه حکومت فاشیستی جمهوری اسلامی به میدان آمد. ایرانیان در کشورهای مختلف به همراه مردم آن کشورها به صدای اعتراض مردم داخل ایران تبدیل شدند و یک اجماع جهانی در همسویی با اعتراضات مردم شکل گرفت. تا اینجای ماجرا، این خیزش توانسته بود یک اتفاق بینظیر و بیسابقه در تاریخ را رقم بزند.

حکومت تماماً مرعوب شده بود و برای همین با تمام توانش دست به کشتار و سرکوب زد. ده‌ها هزار نفر را بازداشت کرد. عناصر مهم و شناخته شده‌ی اعتراضات و جنبشهای اجتماعی را زندانی کرد. برای برخی معترضان احکام اعدام

صادر کرد و تا همینجا دو نفر از جوانان آزادیخواه را اعدام کرده است و برای مرعوب کردن جامعه اجرای اعدام‌ها به اتهامات دیگر را گسترش داد و یک جنگ تمام عیار به مردم تحمیل کرد. اما در مقابل شاهد بودیم که مردم تلاش کردند تا شعله‌ی اعتراضات خیابانی خاموش نشود و در صدمین روز از شروع آن، هر جا که ممکن شد دست به اعتراض زدند.

این جنبش چنانچه با انقلاب‌اش به پیروزی برسد چهره‌ی تمام منطقه خاورمیانه و حتی جهان را تغییر خواهد داد. چرا که خصلت‌های خلاصی‌طلبی و آزادیخواهانه آن و اینکه در مقابل ارتجاعی‌ترین حکومت تاریخ قرار گرفته است، خود یک پدیده‌ی ویژه‌ی خلق کرده که قطعاً در مناسبات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران و منطقه بزرگترین تاثیرات و تحول را به جا خواهد گذاشت.

صد روز از شروع این خیزش گذشت و تنور و آتش اراده‌ی انقلابی مردم علیرغم فروکش کردن اعتراضات خیابانی به نسبت روزهای نخستین، داغ است. انقلابی که در ایران در جریان است ابداً تنها بخاطر ایده‌آل طلبی و تلاش برای بهتر شدن آینده نیست، بلکه یک ضرورت جامعه‌ی انسانی است و بدون این تغییر هیچ درجه‌ای از زندگی برای مردم متصور نیست. برای همین، این ضرورت موتور محرکه تداوم این جنبش عظیم خواهد بود و تا پیروزی نهایی متوقف نخواهد شد.



## کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست

## حضور حزب در انقلاب

### متن گفتگو با کاظم نیکخواه در برنامه سازمانده در کانال جدید



شہلا دانشفر: کاظم نیکخواه خوش آمدید. موضوع اولی که میخواهم با شما در میان بگذارم مساله حضور حزب در انقلاب و در جامعه است. وقتی از حضور حزب در انقلاب صحبت میکنیم در جامعه صحبت میکنیم تبلور آن چگونه است؟ چه تبیینی شما از این موضوع دارید؟

**کاظم نیکخواه:** سوال بسیار مهم و قابل توجهی است. ببینید موقعی که به احزاب نگاه کنید روشن است که همه احزاب مجموعه ای از سیاستها، سنتها، گرایشات، جهت گیریها و برنامه هایی را نمایندگی میکنند. حزب کمونیست کارگری هم همینطور است. حزب کمونیست کارگری روشن است که فقط یک اسم نیست. معمولا خیلی ها دنبال اسم میگردند و سیاستها را فراموش میکنند. اما اگر بخواهیم از حضور حزب در جامعه صحبت کنیم باید به جایگاه این مجموعه از سیاستها و گرایشات و برنامه های حزب فکر کنیم. یعنی باید به کلیت حزب فکر کنیم. باید ببینید این حزب از چه سیاستها و گرایشات و برنامه و جهت گیریهایی تشکیل میشود. از این زاویه وقتی که نگاه کنیم در این انقلاب که جریان دارد کاملا این حزب را وسط جامعه میتوانیم ببینیم. این یک انقلابی است علیه تبعیضات جنسیتی علیه سرکوب علیه زندان علیه اعدام و علیه یک تازی دستگاه مذهب. و اگر به زمینه های قبلتر آن برگردیم متوجه میشویم که انقلابی است علیه فقر و چپاول، علیه تبعیضات طبقاتی، و همه آن چیزهایی که جمهوری اسلامی آنرا نمایندگی میکند و کارگران و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان وسیعا در تجمعات و اعتراضات خود علیه آنها هر روز اعتصاب کرده اند، بیانیه داده اند و شعار داده اند و مبارزه کرده اند. این انقلابی است که ما به آن میگوییم یک انقلاب انسانی. انقلاب زن زندگی آزادی. انقلاب زنانه.

حتی به نفس سرنگونی جمهوری اسلامی و خود انقلاب هم فکر کنید و به دوره های قبل فکر کنید که تنها این حزب

بود که از ابتدا از سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی با همه جناحهایش آنهم با انقلاب مردم دفاع میکرد، اینجا هم حزب را می بینید. حتی بعضی از چپهای مدعی کمونیسم کارگری در مخالفت با ما میگفتند میخواهیم "انقلاب سواری" کنیم!

بهرحال به هر جنبه از انقلاب کنونی فکر کنید و سراغ احزاب بروید. از خودتان پرسید کدام حزب همه این جنبه ها را، نه یکی را، نه یک گوشه ای را، کلیت آنرا از ابتدا نمایندگی و تبلیغ کرده و از آن دفاع کرده، و نه با لکت و با تردید و زیر فشار، بلکه خودش تعریف کننده این سیاستها بوده است، پیشگام این سیاستها بوده است، برای آنها جدال کرده و جنگیده است؟ در جواب تنها و تنها حزب کمونیست کارگری را می بینید. حزبی که برای سرنگونی جمهوری اسلامی تبلیغ و تلاش کرده، از انقلاب در برابر نسخه های رژیم چنیچی ها و استحاله چی ها و رفراندوم چی ها و اصلاح طلبان حکومتی و غیره دفاع کرده، علیه یک تازی مذهب، علیه کل تبعیضات جنسیتی فعالانه مبارزه کرده، از حقوق زنان از حقوق ال جی بی تی ها، از آزادی پوشش، لغو حجاب، از حقوق کودکان، از کل حقوق انسانی بطور کلی، بدون تردید، کامل و محکم و قاطع دفاع کرده است. و امروز این انقلاب همه اینها را جلو آورده است. این انقلابی است که وقتی نگاه کنید می بینید از تمام انقلابات تاریخ بشری پیشروتر، شفافتر، روشنتر، رادیکالتر و عمیق تر دارد جلو میرود. و به این مفهوم چپ تر است. وقتی این دوربین را این فوکوس را بگذارید روی حزب، و روی انقلاب و روی جامعه، آن وقت متوجه میشوید که چه رابطه تنگاتنگی میان این حزب و این انقلاب وجود دارد. ما حزبی درست کرده ایم که همین تحولاتی که در چشم انداز جامعه امروز وجود دارد را به میان جامعه ببریم و این اتفاق افتاده است. هم با تلاش ما و با روند عینی مبارزه طبقاتی در جامعه.

من بحثم این نیست که مردمی که

انقلاب و مبارزه میکنند این رابطه را میدانند یا می بینند. خیلی ها ممکن است اسم حزب را هم نشنیده باشند. اما این مساله اصلی نیست. مساله مهم و اصلی اینست که سیاستهایی که دنبال میکنیم عملی و اجتماعی شود. حزب را برای پیشبرد این سیاستها تشکیل داده ایم. و این هر دلیلی که داشته باشد دارد اتفاق می افتد. یک جایی هم تلاقی خود حزب با جامعه بناچار بطور همه جانبه ای صورت میگیرد. که البته پیچیدگی های خودش را دارد و من اینجا نمیخواهم پیش بینی این جنبه را بکنم.

**شہلا دانشفر:** یک سوال اینجا مطرح میشود. شما از زاویه مضمون توضیح دادید. وقتی به مضمون این انقلاب نگاه میکنیم، وقتی به شعارها نگاه میکنیم، وقتی به مطالبات کف خیابان نگاه میکنیم، وقتی به ابعاد انسانی این انقلاب نگاه میکنیم، می بینیم چه تطابقی هست بین حزب و انقلاب. بین این حزب و حرکتی که جنبشهای اجتماعی و مردمی داشته اند و با خودشان گفتمانهای چپ و رادیکال را جلو آورده اند. این را بوضوح می بینیم. ولی بالاخره حزب باید معرفی باشد. حزب باید با اسم خودش و با همین سیاستها شناخته بشود. در این زمینه شما چه تبیینی دارید؟

**کاظم نیکخواه:** این درست است. اما من فکر میکنم در واقعیت نمیتواند این فاصله و این تناقض زیاد ادامه داشته باشد که حزبی محتوا و سیاستهایش در جامعه جاری باشد ولی خودش دیده نشود. یا چندان شناخته شده نباشد. الان بدرجه ای اینطوری است که خیلی ها که همین سیاستهایی را که فقط حزب کمونیست کارگری نمایندگی میکند فریاد میزنند، برایش مبارزه میکنند، برایش میجنگند و

جانفشانی میکنند، ممکن است حزب را نشناسند یا دقیق نشناسند و یا این رابطه را ندانند و فکر کنند همه احزاب کمابیش همین ها را میخواهند و دنبال میکنند. میخواهم بگویم که این اتفاق این رابطه و این تطابق بطور قطع در یک جایی صورت میگیرد. اما در عین حال باید برای این آگاهانه تلاش کرد. باید تلاش کرد که سیاستها به اسم حزب جلو برود. برای مثال یک سری چیزها ایکونهای حزب ماست. مثل حکومت انسانی، مثل جامعه انسانی، مثل آزادی بی قید و شرط سیاسی، مثل آزادی و برابری. اینها کاملا زمینه اجتماعی دارد و در جاهایی که مناسب است. در مقاطعی که مناسب است در بیانیه ها و شعارها و غیره باید اینها را مطرح کرد و جلو آورد. بالاخره انقلاب زن زندگی آزادی یک انقلاب انسانی است. انقلابی است برای آزادیهای سیاسی، برای آزادی احزاب، برای آزادی بی قید و شرط سیاسی، انقلابی است علیه اعدام، علیه سرکوب، علیه توحش و علیه سیستم و تمایزات طبقاتی و امتیازات طبقاتی. میخواهم بگویم که اینها را و یک چیزهایی را که با حزب تداعی میشود و در عین حال طرح آنها زمینه اجتماعی دارد و خطرات امنیتی برای کسی ایجاد نمیکند مثل جامعه انسانی، حکومت انسانی و انقلاب انسانی. اینها را هم هر جا که مناسب است دارد و امکانش هست باید فعال و دوستدار حزب جلوی بیاورد و مطرح کند. با بیانیه دادن، با شعار نوشتن بر در و دیوار جاهایی که مناسب باشد که باید خودتان تشخیص بدهید باید اسم حزب را مطرح کرد. باید جمعهایی را تشکیل داد برای این فعالیتهای باید بیانیه داد و امثال اینها. تاکید من اینست که حزب باید با اسم خودش بیاید جلو و با تلاش فعالین،



## جمهوری اسلامی باید از کنوانسیون حقوق کودک اخراج شود!



حزب کمونیست کارگری از همه مردم جهان، از سازمانهای حقوق کودک، از سازمانهای کارگری و نهادهای انساندوست، از همه دول غربی و مشخصاً از سازمان ملل و یونسف میخواهد که بعنوان یک اقدام معین جمهوری اسلامی را فوراً از کنوانسیون حقوق کودک اخراج کنند و این حکومت را برای توقف کشتار و اعدام کودکان و آزادی کلیه کودکان زندانی تحت فشار قرار دهند. حزب کلیه فعالین سیاسی و اجتماعی، تشکل های کارگری و مردمی، نویسندگان و هنرمندان و همه مردم آزاده را فرامیخواند که برای اخراج این حکومت کودککش و کودکستیز از کنوانسیون حقوق کودک و برای بایکوت جمهوری اسلامی در سطح جهانی دولتها و

عنوان ازدواج شرعی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند. این رژیم حجاب اجباری و آپارتاید جنسیتی را حتی در کودکانها و مدارس ابتدایی به کودکان تحمیل کرده است، کودکان را با خرافات مذهبی در مدارس مغزشوئی کرده و کتابهای درسی آنان را به لجنزاری از تبعض و تحقیر علیه زن و علیه کودک تبدیل کرده است. صدها هزار کودک را به جرم تابعیت غیر ایرانی بی هویت و بی شناسنامه کرده است. اینها گوشه ای از جنایات جمهوری اسلامی علیه کودکان است. جمهوری اسلامی را به جرم چنین جنایات هولناکی باید در سطح جهان بایکوت کرد و از همه نهادهای بین المللی اخراج کرد. اخراج این جانیان از کنوانسیون حقوق کودک گام موثری در این جهت است.

جمهوری اسلامی تنها در سه ماه گذشته نزدیک به هفتاد کودک، کیان ها، ساریناها، نیکاها و اسراها را به قتل رسانده است. به مدارس لشگرکشی کرده، صدها کودک را زندانی کرده و آنها را مورد شکنجه و انواع اذیت و آزار قرار داده است. این حکومتی است که معصومه چهارده ساله را بخاطر بی حجابی دستگیر کرد، در زندان به او تجاوز کرده، و جسدش را به خانواده تحویل داده است. این حکومت کودککش نمیتواند عضو یک سازمان حقوق کودک باشد. جنایت علیه کودکان توسط جمهوری اسلامی سابقه ۴۳ ساله دارد و به سه ماه گذشته محدود نیست. در طول حاکمیت این رژیم کودکان زیادی به دار آویخته شده اند و هزاران هزار دختر بچه تحت

نهادهای بین المللی را تحت فشار قرار دهند.

همانطور که به قدرت انقلاب این حکومت را از کمیسیون مقام زن سازمان ملل اخراج کردیم، میتوانیم و باید آنرا از کنوانسیون حقوق کودک هم اخراج کنیم. با تمام قوا در دفاع از جان و حقوق و حرمت کودکانمان به میدان بیاییم.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۳۰ آذر ۱۴۰۱، ۲۱ دسامبر ۲۰۲۲



حزب کمونیست کارگری است. بنابراین نه تنها گفتمانهای این حزب درون خیلی از خانه ها رفته، بلکه خیلی از اکتیویستهای جامعه میدانند حزب چه میگوید بطور مشخص و رهبرانش کی ها هستند و گفتمانهایش چیست، و ما طبعا دوستداران و اعضا و کادرهای زیادی در داخل ایران داریم که دارند نقش می آفرینند و نقش موثر و ارزنده ای در جلو آوردن گفتمانهای حزب و بردن آنها به درون انقلاب و به درون جامعه داشته اند. و درود میگویم به همه این عزیزان.

برای جلو آوردن حزب تلاش کنید و هیچ تردیدی نداشته باشید از اینکه امروز ممکن است خیلی ها حزب را دقیقاً نشناسند. این هیچ ایرادی ندارد. مهم اینست که یک حزبی است با یک سیاستهایی که همه ما برای تلاش کرده ایم، آن سیاستها امروز تماماً وسط خیابان است. بنابراین با این اعتماد بنفس باید جلو رفت و همانطور که گفتیم باید به هر شکل ممکن تلاش کرد که آگاهانه این فاصله پر بشود و از بین برود. تاکید من همین است.

**شهلا دانشفر:** من اضافه میکنم که وسیعاً به این حزب پیوندید. راههای تماس، آدرسهای تماس هست و از طریق این آدرسها شما میتوانید با ما تماس بگیرید. ما حزب در دسترسی هستیم. تک تک رهبران این حزب قابل دسترسند. ما یک تلویزیون کانال جدید را داریم که سالهاست دارد ۲۴ ساعته برنامه پخش میکند. و خود این حزب را تا حد زیادی معرفی کرده است. و خود این صدای

از صفحه ۸

## حضور حزب در انقلاب...

کمیسیون مقام زن بودیم، اینها شده گفتمان جامعه و حتی در سطح دنیا. وقتی نگاه میکنیم می بینیم که آن ایکنهایی که شما اشاره کردید بخش زیادی از آنها با انقلاب وسیعاً به میان جامعه رفته است. بعلاوه اینکه عریانتر مطرح شده است. داخل و خارج بهم وصل شده اعتراضاتی که در خارج کشور ایرانیان به پا میکنند در کشورهای مختلف، خیلی جاها فعالین حزب سازمان دهندگان تجمعات بزرگی هستند، در کانادا، در سوئد و در جاهای مختلف، و این برای جامعه قابل رؤیت است. دیده میشود. و همه اینها گامهایی است که نشان میدهد داریم به آن سمت میرویم که این فاصله و این شکاف و تناقض پر بشود. بعلاوه حتماً همانطور که گفتید بیشتر و نقشه مند باید برای آن تلاش کرد

این بخش صحبت را با یکی دو دقیقه اگر صحبتی دارید فراخوانی دارید تمام کنیم و سراغ بحث بعدی برویم

کازم نیکخواه: تاکید من به اعضا و دوستداران حزب اینست که با اعتماد بنفس برای پیشبرد سیاستهای حزب،

اعضا و دوستداران حزب در داخل کشور در خارج کشور این اتفاق باید بیفتد. با ابتکارات مختلف باید تلاش کرد که حزب را با اسم خودش جلو آورد و مطرح کرد. باز هم نکته اول را تاکید کنم که این تناقض، این فاصله بین معرفه بودن حزب و مطرح بودن و طرفداری از سیاستهایش در جامعه، نمیتواند تا ابد ادامه داشته باشد. یک جایی اینها به هم میرسند. هم اسم حزب و هم جامعه ای که دارد برای یک جامعه انسانی تلاش میکند و مبارزه میکند و جانفشانی میکند بهم میرسند.

**شهلا دانشفر:** نکته جالبی را اشاره کردید اگر چه این فاصله و این تناقض با قدرتی که انقلاب دارد جلو می رود هر روز دارد کمتر و کمتر میشود، خود انقلاب زنانه که امروز دنیا دارد ارزش صحبت میکند اول بار منصور حکمت این اصطلاح و این روند را مطرح کرد و این حزب این بحث را پیش آورد. عبارت "آپارتاید جنسی"، "اعدام قتل عمد دولتی است"، "آلترناتیو شورایی"، "بایکوت جهانی جمهوری اسلامی اخراج جمهوری اسلامی از نهادهای بین المللی که ما همین روزها شاهد بیرون انداختنش از

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

تلگرام: @sazmande

**به حزب کمونیست کارگری**

**پیوندید!**

tamas.wpi@gmail.com

## سه روز دیگر پر تپش انقلاب

۲۸ تا ۳۰ آذر ۱۴۰۱



میشوند و بعنوان یک شبکه بسیار گسترده سازماندهی مبارزه جای خود را در جامعه محکم میکنند. این یک دستاورد مهم انقلاب و یک درس مهم انقلابی است که با گستردگی در نقاط مختلف کشور ادامه دارد.

حزب کمونیست کارگری این پیشروی ها و دستاوردهای انقلاب زن، زندگی، آزادی را گرمی میدارد و دست تک تک فعالان و سازندگان این انقلاب شورانگیز را، دست تک تک دانشجویان، دانش آموزان، جوانان و زنانی که فراخوان دادند، سازماندهی کردند و نقش میدانی ایفا کردند را به گرمی میفشارد. حزب مردم، دانشجویان، دانش آموزان، زنان و جوانان، کارگران و معلمان و همه بخشهای مردم آزاده و انقلابی را به متشکل شدن در محیط کار و تحصیل و در شهر محل زندگی خود فرامیخواند.

زنه باد انقلاب زن زندگی آزادی  
سرنگون باد جمهوری اسلامی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲ دیماه ۱۴۰۱، ۲۳ دسامبر ۲۰۲۲

گفت. در بخشی از این ارزیابی چنین آمده است: "هر سرکوبی که بکنند و هر محدودیتی که ایجاد کنند، این راه رهروان خستگی ناپذیری دارد! حکومت با تعطیلی کامل مدارس و دانشگاهها در برخی شهرها سعی داشت که این قیام انقلابی سه روزه را به شکست بکشاند که با پاسخ دندان شکن ما مواجه شد. حتی در صورت تعطیلی کامل مدارس و دانشگاهها، تعرض رو به جمهوری اسلامی تا به زانو درآوردن عاملین و آمرین بیش از چهار دهه ظلم، ستم، جنگ، تبعیض، تجاوز، قتل، اعدام، فقر و فلاکت مردم، ادامه خواهد داشت. پیروزی در این مبارزه مسیری سخت دارد، اما ما برای پیمودن این مسیر آماده ایم."

یک دستاورد مهم این سه روز و شاید مهمترین دستاورد آن تثبیت بیشتر موقعیت فعالین دانشجویی و جوانان در نقاط مختلف تهران و بسیاری از شهرهای دیگر بود. دانشجویان، دانش آموزان و جوانان و زنان ستون مهم این انقلابند که در دل اعتراضاتی که نزدیک به صد روز است جمهوری اسلامی را به ستوه آورده هر چه بیشتر خود را متشکل میکنند، هماهنگ

روزهای ۲۸، ۲۹ و ۳۰ آذر بار دیگر شاهد روزهای پر تپش انقلاب "زن، زندگی، آزادی" در ایران بود. این سه روز که از سوی ۳۹ تشکل دانشجویی، دانش آموزان، جوانان شهرهای مختلف و جمعی از فعالین حقوق زن بعنوان روزهای اعتصاب و تجمع، پرفورمنس، شعارنویسی و راهپیمایی فراخوان داده شده بود، وسیعا در رسانه ها و شبکه های اجتماعی و توسط جمع ها و کانون های مختلف مورد استقبال قرار گرفت و به سه روز پر از فعالیت ها و ابتکارات متنوع در تهران و شهرهای دیگر تبدیل شد. فراخوان های متوالی از جمله فراخوان سه روزه برای اعتصاب و اعتراض در روزهای آخر آذر نقش مهمی در متحد نگاهداشتن جامعه و به میدان کشیدن مردم داشته است.

در این سه روز مغازه داران تعدادی از شهرها دست به اعتصاب زدند. جمهوری اسلامی از قبل دانشگاهها و مدارس تهران و تعدادی از استانهای دیگر را به بهانه آلودگی هوا تعطیل اعلام کرد اما دانشجویان و دانش آموزان به اشکال مختلف نقش مهمی در خیابان، در برخی دانشگاهها و در تجمعات خیابانی ایفا کردند. در دهها محله تهران و همینطور در تعداد دیگری از شهرها تجمعات اعتراضی همراه با شعارهای تند سیاسی علیه خامنه ای و کل حکومت برپا شد. دانش آموزان دخترانه در اهواز و کرمانشاه به خیابان آمده و علیه حکومت شعار دادند. پزشکان و رزیدنت های بیمارستان رسول اکرم در تهران دست به تجمع زدند، کارگران ایران ترانسفوری اعتصاب کردند، تشکل های مختلف کارگران و بازنشستگان و شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از فراخوان سه روزه حمایت کردند، شماری از مردم دست به راهپیمایی به سوی میدان انقلاب زدند و شعار "مرگ بر خامنه ای"، "آزادی، آزادی، آزادی"، "حکومت اسلامی نمیخواهیم" در چندین شهر مراسم های بزرگداشت جانباختگان با جمعیت کثیری از مردم برگزار شد. سینماگران در مقابل

در نقاط مختلف جهان نیز روز ۳۰ آذر به مناسبت شب یلدا تجمعات اعتراضی زیادی در مقابل مراکز وابسته به جمهوری اسلامی و یا میدین شهرها برپا شد و یاد عزیزان جانباخته گرمی داشته شد.

این تنوع مبارزاتی نشاندهنده گستردگی انقلاب، حضور اقشار مختلف مردم در انقلاب و سازمانیافتگی رو به افزایش انقلاب است. نشاندهنده آن است که انقلاب نیروی عظیمی دارد و نقش سازماندهندگان در بخش های مختلف جامعه برای سازمان دادن و به حرکت درآوردن دیگران کلیدی است.

تشکل دانشجویان پیشرو روز اول فراخوان سه روزه اعتراضات را یک پیروزی عظیم سیاسی برای دانشجویان و دانش آموزان خواند و این موفقیت را تبریک



**برگرفته از مدیای اجتماعی**

اگر در ایرانی که همیشه چهار فصل است :  
حاکمیت دزد نباشد  
اختلاس نباشد  
چپاول و غارت نباشد  
رابطه به جای ضابطه نباشد  
آزادی باشد و برای رفاه خانواده های زندانیان تصمیم نگیرند زیر پل اوین سالن ویژه ای بسازند  
ساختن مراکز تفریحی و شادی جای ساختن زندان باشد  
ایران گلستان خواهد شد  
فقط صنعت گردشگری می تواند به خاطر پتانسیلی که ایران دارد از :  
چشمه گل های سواحل دریای عمان گرفته تا جنگل ابر شاهرود از کویر لوت تا کوه های سر به فلک کشیده مغرور و ...  
که دیگر نه تنها بیکاری در جامعه نخواهیم داشت بلکه مقصد مهاجران نیروی کار و توریست خواهیم شد  
فقط کافی است که :  
دیکتاتوری جایش را به آزادی دهد  
فقط کافی است که هیچ آزادیخواهی زندان نباشد

( ادامه در متن )

## ۵ دی: اعتراضات مردمی در تداوم انقلاب آزادی، برابری، حکومت کارگری

امروز پنجم دیماه نیز در بوکان دانش آموزان یکی از دبیرستان‌های بوکان همزمان با چهلم جانباختگان اعتراضات مردمی این شهر به خیابان آمده و شعارهای اعتراضی سردادند و جواب سرکوبگری های حکومت را با فریاد "بوکان شهید داده، از مرگ نهراسیده" دادند. گفتنی است که در شیراز نیز برای برگزاری مراسم چهلمین روز قتل حسین شیرازی پور ۳۹ ساله برای روز ششم دی‌ماه فراخوان داده شده است.

شب گذشته در شهر مهاباد نیز مردم به خیابان آمدند. آتش روشن کردند و با شعارهای "زن، زندگی، آزادی"، و "فقر اعدام گرونی، میریم تا سرنگونی" خشم و اعتراض خود را فریاد زدند. در این شب همچنین در اصفهان و بندر انزلی جوانان به پایگاه بسیج کوکتل زدند و شعاردهی های شبانه در محلاتی از تهران و شهرهای مختلف جریان داشت. از جمله در نارمک و شاهین جنوبی در تهران فریاد مرگ بر دیکتاتور بر فضای خیابانها طنین انداخته بود.

خبر دیگر اینکه شب گذشته در مسیر لامرد بستک مامورین در ایست بازرسی، یک خودرو را که سرنشینان آن یک خانواده بودند به گلوله بستند و در پی آن سها اعتباری دختر ۱۲ ساله اهل روستای خلوص از شهرستان بستک در استان هرمزگان به دلیل تیراندازی قبل از رسیدن به اتاق عمل متأسفانه جان خود را از دست داد. نابود باد حکومت کودک کش! موضوع دیگر احکام اعدام حکومت در تقابل با انقلاب است و مردم با قدرت مقابل آن ایستاده اند و جنبش علیه اعدام ابعاد جهانی ای پیدا کرده و جنبش کفالت سیاسی زندانیان زیر خطر اعدام از سوی نمایندگان پارلمانهای کشورهای اروپایی یک وجه زیبای همبستگی های جهانی با انقلاب ایران است. هم اکنون خطر اعدام محمد قبادلو که حکم اعدامش از سوی حکومت تایید شده است وجود دارد. محمد قبادلو از داخل زندان پیام داده و مینویسد: "درود به مردم شریف ایران، محمد قبادلو هستم، آخرین تیرمون هم که

یادمان جانباختگان انقلاب به محل اتحاد مردم علیه جمهوری اسلامی و فریاد زن، زندگی، آزادی تبدیل شده است. امروز در چهلمین روز قتل کیان پور فلک کودک ده ساله ای که با شلیک جنایتکاران جمهوری اسلامی در ایذه به قتل رسید در آرامگاه روستای پرچستان گورویی از توابع این شهر مراسمی برگزار شد و جمعیت بسیاری حضور یافتند و مراتب خشم خود را نسبت به حکومت کودک کش جمهوری اسلامی اعلام داشتند. امروز در سنندج نیز در چهلمین روز قتل آرام حبیبی و شاهو بهمنی در قطعه ۱۲ بهشت محمدی مراسم یادمان برگزار خواهد شد. همچنین در سفر دانش‌آموزان یکی از مدارس همزمان با چهلمین روز قتل دانیال پابندی و دیگر جانباختگان انقلاب، امروز کلاس درس را تعطیل کردند.

روز گذشته ۴ دی مراسم های با شکوهی در بزرگداشت جانباختگان انقلاب در بوکان و نیز در روستای چروسانه کامیاران با حضور گسترده مردم بر پا شد. در کامیاران مراسم به مناسبت چهلمین روز قتل برهان کرمی برگزار شده و مردم معترض شعار میدادند: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "آزادی برابری حکومت کارگری"، و "زن، زندگی، آزادی، حکومت شورایی". فریاد چنین شعارهایی به روشنی عمق انقلاب زن، زندگی، آزادی را به نمایش میگذارد.

روز گذشته همچنین در بوکان در قبرستان این شهر مراسم چهلمین روز قتل جانباختگان این شهر با حضور گسترده مردم برگزار شد. فراخوان این تجمع از قبل داده شده بود و به این مناسبت شهر در اعتصاب عمومی و یکپارچه خشم و اعتراض بود. مردم بسیاری برای شرکت در مراسم جمع شدند و شعارهایی علیه حکومت جنایتکار اسلامی سردادند. بعد از مراسم نیز شعاردهی ها در سطح خیابانهای شهر تا شب هنگام ادامه یافت. مردم آتش روشن کردند و راهبندان کردند و شعار میدادند. نیروی سرکوب به سوی مردم شلیک کرد و مردم درگیر با آنها درگیر شدند و جنگ و گریز جریان یافت.

از مجاری قانونی جمهوری اسلامی ایران زدیم اثری نداشت و اعاده دادرسیمون رو هم رد کردند، قراره من به حکم خالی از شرافت و عدالت قضات پرونده اعدام بشم.... پیام پر صلابت زندانیان زیر خطر اعدام، ابعاد حماسی انقلاب را به

## ۵ دی: اعتصاب کارگران پتروشیمی آبادان

سازه گستر خلیج فارس دست به اعتصاب زدند. تمامی کارگران این شرکت که مسئول ساخت سکوهای نفتی هستند از شنبه ۳ دی وارد اعتصاب شده اند. روز گذشته همچنین حدود ۶۰۰ نفر از کارگران شرکت اخوان در پاکدشت که در حوضه تولید لوم خانگی، گاز هود سینگ فعالیت میکنند دست از کار کشیده و در محوطه شرکت تجمع کردند. این کارگران شعار میدادند: "اگه با هم یکی نشیم یکی یکی اخراج می‌شیم". در این روز همچنین جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی تهران در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان مقابل دفتر کانون بازنشستگان تهران دست به تجمع زدند.

بدینگونه اعتصابات و اعتراضات کارگری در دل انقلاب بطور متوالی صورت میگیرد و امروز فضای اعتراض در مراکز نفتی بالاست. حزب کمونیست کارگری از اعتراضات کارگران پالایشگاه آبادان قاطعانه حمایت میکند. و همصدا با شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت تمامی کارگران شاغل در مراکز مختلفی نفتی را به اعتصاب علیه سرکوبگری ها حکومت و دستگیریها و اعدامها فرا میخواند. پانزده کارگر بازداشتی ارکان ثالث در پارس جنوبی که در جریان حرکت اعتراضی روز گذشته شان بازداشت شدند، باید فوراً آزاد شوند. حزب بر اعتصابات سراسری کارگری به عنوان یک حلقه قدرتمند و مکمل خیزش مردمی در کف خیابان و گامی در پیشروی انقلاب تاکید دارد. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

نابود باد حکومت اسلامی!  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۵ دی ۱۴۰۱، ۲۶ دسامبر ۲۰۲۲

بنا بر گزارش "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" از روز گذشته چهارم دیماه در بخش هایی از پتروشیمی آبادان کارگران در اعتراض به فضای امنیتی ایجاد شده در محل کار خود و پیامهای تهدید آمیز به کارگران معترضی که در تجمعات قبلی حضور داشتند، وارد اعتصاب شدند و امروز صبح دیگر بخش ها نیز به اعتصاب پیوستند و مجتمع به طور کامل به حالت تعطیل در آمد. در گزارش این خبر آمده است: "خواست فوری این همکاران پایان دادن به احضارها و تهدیدات امنیتی است. اعتراض این کارگران در تجمعاتشان به بدتر شدن وضع معیشتی خود بوده است. شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت از اعتراضات این همکاران حمایت و پشتیبانی میکند و بر پایان دادن به فضای امنیتی در محیط های کار و احضارها و تهدیدات کارگران معترض و پاسخگویی فوری به مطالبات معیشتی همکاران تاکید دارد. گفتنی است که در روز گذشته نیز همانطور که گزارش کردیم پانزده نفر از همکاران ارکان ثالثی ما در پارس جنوبی که قصد تجمع برای پیگیری مطالباتشان را داشتند بازداشت شدند. شورای سازماندهی بر آزادی فوری این همکاران تاکید میکند. با اتحاد سراسری باید با این سرکوب ها مقابله کرد. ما کارگرن و ما مردم حق و حقوقمان را طلب میکنیم کارفرمایان و دولت با سرکوب و دستگیری پاسخ میدهند. شورای سازماندهی تمامی کارگرن شاغل در بخش های مختلف نفت را به پیوستن و حمایت از اعتراض همکاران در پتروشیمی آبادان فرا میخواند.

پاسخ دستگیری و اعدام اعتصابات سراسری است."  
امروز همچنین ۳۰۰ کارگر شرکت طراحی و ساخت سازه های دریایی مبین

### ۳ دی: انقلاب در صدمین روز



مخالفت با حجاب اجباری، مخالفت با ازدواج کودکان، سوادآموزی به افراد جا مانده از تحصیل و... برای جلوگیری از توقیف وثیقه و پیشگیری از فشار بر وثیقه گزاران، در زندان به سر می برند، حاکمیت ادعا دارد با اعمال رفعت، این فعالین به ۲ سال و ۶ ماه زندان محکوم شده و زندانی هستند.

فعالین ندای زنان، تمامی بازداشت شدگان اخیر باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ دی ۱۴۰۱، ۲۴ دسامبر ۲۰۲۲

ارسال این نامه با هفته اول کشته شدن مهسا امینی و شروع اعتراضات عمومی به این جنایت، ندای زنان ایران به جهت تمرکز در همراهی با اعتراضات و انتشار اخبار این جنایت، از نشر این نامه خودداری کرده بود ولی اکنون با ارسال پاسخ به این نامه از طرف حاکمیت، خود را ملزم به انتشار و اطلاع رسانی در باره این نامه میدانیم. ندای زنان همچنین در پاسخ به گفته حکومت در رابطه با این نامه مینویسد: "در حالی که فعالین "ندای زنان ایران" خانمها: اکرم نصیریان، مریم محمدی و اسرین درکاله از تاریخ ۳۰ مرداد ۱۴۰۱ و بیش از چهار ماه است که به جرم دفاع از برابری و حقوق انسانی،

### ۱ دی: اعتراضات مردمی در نود و هشتمین روز انقلاب

علیدوستی و پایان یافتن سرکوبگری های حکومت شدند. ادامه تجمع آنها توجه زیادی به خود جلب کرده است.

همچنین ۱۱ نهاد جامعه پزشکی آلمان در تاریخ ۲۵ آذر در نامه ای سرگشاده خطاب به اولاف شولتس و آنالینا بربروک صدر اعظم و وزیر خارجه این کشور، ضمن اعلام همبستگی با مردم معترض در ایران، سرکوب و اعدام ها توسط جمهوری اسلامی را محکوم کرده و درباره «فاجعه انسانی (و) امنیت جانی مردم در ایران، هشدار دادند.

حزب کمونیست کارگری خواهان بایکوت کامل جمهوری اسلامی در سطح جهان است و همه مردم را به فشار به دولتها برای بایکوت کامل این حکومت خونخوار فرا میخواند. با قدرت انقلاب و همبستگی های جهانی میتوان دولتها را وادار به بایکوت رژیم جنایتکار و کودک کش جمهوری اسلامی کرد. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ آذر ۱۴۰۱، ۲۱ دسامبر ۲۰۲۲

روز اول دی ماه جمعیتی از مردم در کامپاران در چهلمین روز قتل فواد محمدی بر مزار او در روستای ماویان تجمع کردند و شعارهای ضد حکومتی سر دادند. تجمع کننده شعار میدادند: "این آخرین پیامه اعدام کنید قیامه"، "قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان". روز گذشته نیز در بیوران سردشت در چهلمین روز قتل همین حمزه جمعیتی از مردم تجمع کردند و شعارهای اعتراضی سر دادند. یادمان های جانباختگان انقلاب به محل به اتحاد مردمی علیه حکومت جنایتکار و منفور اسلامی تبدیل شده است.

در زاهدان دانش آموزان این نیروی پر شور انقلاب به خیابان آمدند و شعار مرگ بر خامنه ای سر دادند.

از سوی دیگر همبستگی های جهانی با انقلاب ایران هر روز گسترده تر میشود. از جمله نزدیک به ۵۰۰ چهره سینمایی جهان خواستار آزادی ترانه علیدوستی سینما گر زندانی شدند. در داخل کشور نیز در چند روز اخیر شماری از سینماگران با تجمع هر روزه خود خواستار آزادی ترانه

سلیمانی را مردم به آتش کشیدند. در اعتراضات امروز مردم از جمله شعار میدادند: "زن، زندگی، آزادی"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "مرگ بر دیکتاتور"، "هموطن داد بزن حق تو فریاد بزن"، "مرگ بر خامنه ای"، "حکومت کودک کش نمیخوایم، نمیخوایم"، "نگ ما ننگ مارهبر الدنگ ما".

از سوی دیگر خبرها از تعطیلی بازار در جوانرود و اعتصاب سیصد نفر از کارکنان شرکت مبین سازه کشتی سازی بندرعباس که مسئول ساخت سکوهای نفتی است، حکایت دارند. همچنین امروز کارکنان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در شهرهای کشور در شهرهای مشهد، دورود، الیگودرز، تاکستان، یزد، هفتگل، ازنا، ایذه، خلیخال، خرمدشت، رامهرمز، جغتای اعتصاب و تجمع داشتند. موضوع این اعتراضات وخیم تر شدن هر روزه وضع معیشتی است.

روز گذشته در چهلمین روز قتل سپهر اسماعیلی و در گرگان مراسم هفتم آیدا رستمی پزشکی که انقلابیون مجروح را درمان میکرد، با شرکت شمار بسیاری از مردم برگزار شد و شرکت کنندگان شعارهای ضد حکومتی علیه جنایتکاران حاکم سر میدادند. همچنین در اراک مردم مزار مهرشاد شهیدی جوانی که بدست جانپان اسلامی به قتل رسید را گلباران کردند. گفتنی است که فردا چهارم دیماه به یاد کیان پیر فلک کودکی که بدست جانپان اسلامی به قتل رسید مراسمی در آرامستان روستای پرچستان گورویی از توابع ایذه برگزار میشود و برای شرکت در آن فراخوان داده شده است. فردا را به روز اعتراض در همه جا علیه حکومت کودک کش جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. جمهوری اسلامی باید از کنوانسیون دفاع از حقوق کودک اخراج گردد و در سطح جهان بطور کامل منزوی و بایکوت شود.

آخرین خبر مربوط به اعلام حمایت "کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو" از فعالین "ندای زنان ایران" طی نامه ای در ۲۳ سپتامبر است که به تازگی منتشر شده است. ندای زنان ایران در مورد علت تاخیر انتشار این نامه مینویسد: "به جهت مصادف بودن تاریخ

امروز در صدمین روز انقلاب و با فراخوانی از قبل اعلام شده برای اعتراضات سراسری مردم در شهرهای مختلفی همچون تهران، اصفهان، کرمانشاه، مشهد، بابل، سنندج، بندرعباس، کرج، اهواز به خیابان آمدند و شعارهای ضد حکومتی سر دادند. در چندین محله تهران از جمله نارمک، ولیعصر، میدان آزادی، دربند، تهرانپارس، جنت آباد، هفت حوض و تاتار شهر، شهریار جوانان دختر و پسر تظاهرات راهپیمایی کردند و شعار دادند. نیروهای سرکوب در ایستگاه متروی تاتار شهر به سوی مردم گاز اشک آور شلیک کردند. و نیز در شماری از محلات در تهران چون جنت آباد و جردن فریاد شعار های مرگ بر سپاهی، مگر بر دیکتاتور بر خیابان ها طنین انداخته بود. در تهرانپارس دانش آموزان مدرسه ای با شعار مرگ بر دیکتاتور به خیابان آمدند و تجمع کردند. همچنین در یک دبیرستان دخترانه دانش آموزان در کرج صحن مدرسه حلقه زدند و سرود خواندند و شعارهای اعتراضی سر دادند. در مشهد در محلاتی چون وکیل آباد، بلوار امام رضا، خیابان هنرستان، ما بین خیابان هفت تیر و هاشمیه و احمد آباد، در کرج در گلشهر و گوهردشت، و دراصفهان در چهارباغ بالا تظاهرات و تجمع و شعار دادن علیه حکومت جنایتکار اسلامی جریان یافت.

در سنندج در خیابان نبوت مردم آتش روشن کرده و راهبندان کردند و شعار مرگ بر خامنه ای، مرگ بر دیکتاتور سر دادند و در اهواز در خیابان وهابی دختران و پسران به خیابان آمدند و شعارهای اعتراضی سر دادند. در این اعتراضات در جاهایی مردم با روشن کردن آتش راهبندان کرده و با بوق متوالی خودرو ها صدمین روز انقلاب را گرامی داشتند و در جاهایی مسیر کوتاهی را راهپیمایی کرده و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. در خیابان فاضلی در تهران جوانان به خودروی نیروی سرکوب حکومت کوکتل پرتاب کردند. در حمزه کلا در مازندران، و در کرمان و شهر شوش نیز جوانان به پایگاه بسیج کوکتل زدند. در بندرعباس بئر خامنه ای و در مشکین شهر بئر قاسم



با توجه به اعدام‌های گسترده زندانیان سیاسی در ایران (در طی ۴۴ سال گذشته) ، و بویژه اعدام‌های اخیر که صرفاً بمنظور ترسانیدن مردم به پا خواسته ایران صورت می‌گیرد، و با توجه به خطرات جانی جدی که عزیزان زندانی ما را در زندان‌های جمهوری اسلامی تهدید میکند، بدینوسیله از جنابعالی و دیگر مقامات ذریب در امور حقوق بشر می‌خواهیم؛ برای اعزام نمایندگان ویژه به ایران جهت تحقیق پیرامون وضعیت زندانیان سیاسی بیشماری که در طی اعتراضات اخیر دستگیر شده، و در بدترین شرایط انسانی در زندانها و پادگانها و مراکز غیرقانونی نگهداری و شکنجه میشوند، "اقدام فوری" نمایید، تا از گرفتن اعتراضات اجباری (که زمینه ساز اعدام‌های بعدی است)، جلوگیری به عمل آمده، زمینه آزادی زندانیان سیاسی را فراهم آورند. زنده باد انقلاب زن، زندگی، آزادی!

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ آذر ۱۴۰۱، ۲۱ دسامبر ۲۰۲۲

## ۳۰ آذر: سومین روز فراخوان سه روز اعتصاب و اعتراض در تداوم انقلاب

می‌گیرد، و با توجه به خطرات جانی جدی که عزیزان زندانی ما را در زندان‌های جمهوری اسلامی تهدید میکند، بدینوسیله از جنابعالی و دیگر مقامات ذریب در امور حقوق بشر می‌خواهیم؛ برای اعزام نمایندگان ویژه به ایران جهت تحقیق پیرامون وضعیت زندانیان سیاسی بیشماری که در طی اعتراضات اخیر دستگیر شده، و در بدترین شرایط انسانی در زندانها و پادگانها و مراکز غیرقانونی نگهداری و شکنجه میشوند، "اقدام فوری" نمایید، تا از گرفتن اعتراضات اجباری (که زمینه ساز اعدام‌های بعدی است)، جلوگیری به عمل آمده، زمینه آزادی زندانیان سیاسی را فراهم آورند. رونوشت این نامه به جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران ارسال شده است. خانواده‌های امضا کننده این نامه عبارتند از: "خانواده‌های زندانیان سیاسی ایران: نرگس محمدی، فاطمه سپهری، پوران ناظمی، گلرخ ایرانی، نرگس منصوری، صبا کرد افشاری، الناز اسلامی، الهه میرمهدی، نرگس ادیب، گلاره عباسی، عسل محمدی، زهره سرو، هاشم خواستار، محمد نوری‌زاد، عبدالرسول مرتضوی، محمدحسین سپهری، زرتشت احمدی راغب، یاشار تبریزی، سعید اقبال، علی موسی نژاد

به اعتصاب زدند. امروز ۳۰ آذر جمعی از هنرمندان برای چهارمین روز متوالی، برای پیگیری وضعیت ترانه علیدوستی مقابل زندان اوین تجمع کردند. بابک کریمی، رضا درمیشیان، رضا اخلاقی‌راد، سپیده ابطحی، مینا اکبری، مهسا ابراهیم‌زادگان و ثمین مهاجرانی به همراه نادره حکیم الهی، مادر ترانه علیدوستی از جمله تجمع کنندگان بودند. بنا بر خبرها از شب گذشته با هنرمندانی که در این روزها در مقابل زندان اوین تجمع می‌کردند، تماس‌های تهدیدآمیزی گرفته شده است و در تجمع این روز نیز نیروهای امنیتی آنها را تهدید به دستگیری کردند. بنا بر خبری به نقل از پدر ترانه علیدوستی، او اکنون در سلول انفرادی است.

همچنین جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی ایران طی نامه ای به تاریخ ۲۹ آذر خطاب به آنتونیو گرتش دبیرکل سازمان ملل متحد خواستار اعزام نمایندگان ویژه به ایران و اقدامی فوری در قبال بازداشت شدگان اعتراضات مردمی شده اند. در این نامه چنین آمده است: "با توجه به اعدام‌های گسترده زندانیان سیاسی در ایران (در طی ۴۴ سال گذشته) ، و بویژه اعدام‌های اخیر که صرفاً بمنظور ترسانیدن مردم به پا خواسته ایران صورت

امروز ۳۰ آذر به مناسبت شب یلدا مردم سنندج بر سر مزار دو تن از جانباختن انقلاب پیمان منبری و رامین فاتحی گرد هم آمدند و یادشان را گرامی داشتند. در نوشهر نیز به همین مناسبت عده ای به مزار حنا کبیا و حسینعلی کیا کجوری رفتند و آنجا را نثار گل کردند. حنا کبیا ۲۳ سال داشت و در روز ۳۰ شهریور بر اثر تیراندازی نیروهای سرکوب حکومت به قتل رسید. همی‌طور در بندر انزلی جمعی از مردم به مزار مهرا سماک و امیر محمد نوروزی یادشان را گرامی داشتند و خشم و نفرت خود را علیه جنابان اسلامی اعلام داشتند.

در این روز همچنین دانش آموزان مدرسه ای در اهواز و کرمانشاه دست به اعتراض زدند. دانش آموزان دخترانه مدرسه ای در اهواز شعار میدادند: "مرگ بر دیکتاتور"، "آزادی ... آزادی ... آزادی ...". "هیز تویی هرزه تویی زن آزاده منم.. دانش آموزان دبیرستانی دخترانه در کرمانشاه نیز با شعار زن، زندگی، آزادی از مدرسه خارج شدند.

خبر دیگر اعتصاب کارگران شرکت طلایه داران مس در جیرفت بخاطر مشکلات معیشتی و شغلی در این روز است. روز گذشته نیز کارگران شرکت ایران ترانسفوری در شهرک صنعتی پرند دست

## ۳۰ آذر: ادامه تجمعات خیابانی و شعار دهی های شبانه

کریم آباد جوانان آتش روشن کرده و شعارهای اعتراضی سر دادند. انقلاب ایران بازتاب جهانی بسیاری داشته است. از جمله ۲۳۸ تن از مقامهای فعلی و سابق سازمان ملل، قضات، برندگان جایزه نوبل، کارشناسان حقوق بشر و سازمان‌های غیردولتی در رابطه با اعدام ها و سرکوبگریهای حکومت اسلامی نامه سرگشاده ای به رئیس جمهور آمریکا، نخست وزیر انگلستان، رئیس شورای اروپا و نخست وزیر کانادا نوشتند. در این نامه بر نکاتی چون برقراری مکانیسم پاسخگویی مشترک برای اقدام سریع جمعی به منظور توقف اعدام و سرکوب معترضان در ایران، اعمال تحریم‌های شدید علیه رژیم ایران، اخراج

باطله" و در تئاتر شهر گروهی از مردم به سمت میدان انقلاب راهپیمایی کرده و شعار مرگ بر دیکتاتور میدادند. یک حرکت اعتراضی دیگر در تهران در شهرزیا بود که مردم چراغها را خاموش و سرودهای اعتراضی را همخوانی کردند. در کرج نیز مثل شبهای قبل مردم به خیابان آمده و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. شعارهای دیگری که در این شب در کرج سر داده شده عبارت بودند از: "تنگ ما تنگ مارهبر الدنگ ما"، "زنده باد آزادی"، "زن، زندگی، آزادی"، "مرگ بر خامنه ای". در سنندج و سقز نیز مردم به خیابان آمدند، آتش روشن کردند و شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای سر دادند. در بلوار ۲۸ دی سنندج و در سقز در محله

امشب در سومین روز فراخوان به اعتراضات سراسری در محلات مختلف تهران همچون امانیه، سعادت آباد، اتوبان همت، ولیعصر، خیابان انقلاب، و در شهرهایی چون سنندج، و سقز مردم به خیابان آمدند و یا از درون خانه ها شعارهای ضدحکومتی سر دادند. باز هم شعار مرگ بر دیکتاتور در بسیاری از خیابانها طنین انداز شده بود. در سعادت آباد تهران مردم شعار میدادند: "امسال سال خونه سیدعلی سرنگونه". در چهارراه ولیعصر مردم به خیابان آمده و شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای، بسیجی سپاهی داعش ما شمایی سر دادند. در خیابان انقلاب جمعی از مردم شعار میدادند: "خامنه‌ای قاتله ولایتش

سفیران جمهوری اسلامی، قراردادن سپاه پاسداران در لیست تروریستی، تاکید شده است. این موضعگیریها مهم است و میتواند به بایکوت کامل جمهوری نکت اسلامی در دنیا منجر شود. با قدرت انقلاب و همبستگی های جهانی میتوانیم دولتهای جهان را به پای بایکوت همه جانبه بین المللی جمهوری اسلامی بکشانیم. همانطور که این حکومت از کمیسیون مقام زن سازمان ملل اخراج شد باید از کنوانسیون حقوق کودک و نهادهایی چون سازمان جهانی کار و از تمامی مراجع بین المللی اخراج شود. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ آذر ۱۴۰۱، ۲۱ دسامبر ۲۰۲۲



سیاسی یکی از اشکال زیبای آنست که شماری از اعضای پارلمان آلمان پیشتر آن بودند. بدنبال آن از نمایندگان دیگر کشورها از جمله سوئد و اتریش به این جنبش پیوستند. بنا بر خبرها در اقدامی تاریخی ۱۸۳ نفر از اعضای پارلمان اتریش کفالت سیاسی ۱۸۳ نفر از بازداشت شدگان اخیر را بر عهده گرفتند. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ آذر ۱۴۰۱، ۲۰ دسامبر ۲۰۲۲

تعرض رو به جمهوری اسلامی تا به زانو درآوردن عاملین و آمرین بیش از چهار دهه ظلم، ستم، جنگ، تبعیض، تجاوز، قتل، اعدام، فقر و فلاکت مردم، ادامه خواهد داشت. پیروزی در این مبارزه مسیری سخت دارد، اما ما برای پیمودن این مسیر آماده‌ایم... زنده باد آزادی و برابری/ زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی" امروز همچنین شماری از سینماگران در حمایت از ترانه علیدوستی برای یکی از سینماگران زندانی برای سومین روز مقابل اوین تجمع کردند. ترانه علیدوستی روز شنبه ۲۶ آذر به دلیل حمایت از اعتراضات مردمی و انتشار تصویر بدون حجابش، دستگیر شد و به زندان اوین منتقل گردید. تجمعات حمایتی در مقابل زندان اوین و دیگر زندانها یک شکل مهم از اعتراض برای آزادی بازداشت شدگان انقلاب است.

یک بخش دیگر اعتراضات امروز تجمعات مردمی در خیابان بود. در این روز شماری از مردم به سوی میدان انقلاب حرکت کردند و شعار "مرگ بر خامنه ای"، "آزادی، آزادی، آزادی"، "مرگ بر دیکتاتور" را سر دادند. همبستگی های جهانی در حمایت از انقلاب ایران تداوم دارد. جنبش کفالت

## ۲۹ آذر: اعتصاب و تظاهرات و شعار دهی در دومین روز از سه روز اعتراض سراسری

قراره ما هر روزه". درهمین راستا دانشجویان دانشگاه آزاد رشت اعلام اعتصاب کردند. گفتنی است که جمهوری اسلامی از قبل دانشگاهها و مدارس را به بهانه آلودگی هوا تعطیل اعلام کرده بود.

تشکل دانشجویان پیشرو روز اول فراخوان سه روزه اعتراضات را یک پیروزی عظیم سیاسی برای دانشجویان و دانش آموزان خواند و این موفقیت را تبریک گفت. در بخشی از این ارزیابی چنین آمده است: "هر سرکوبی که بکنند و هر محدودیتی که ایجاد کنند، این راه رهروان خستگی ناپذیری دارد! حکومت با تعطیلی کامل مدارس و دانشگاهها در برخی شهرها سعی داشته و دارد که این قیام انقلابی سه روزه را به شکست بکشاند که با پاسخ دندان شکن ما مواجه شد". در این ارزیابی دانشجویان بر سازماندهی هر چه وسیعتر تشکیلات، نهادها و جمع های معترض و پیوستن به اعتراضات تاکید کرده و مینویسند: "حتی در صورت تعطیلی کامل مدارس و دانشگاهها،

امروز در پاسخ به فراخوان به سه روز اعتصاب و اعتراض، اعتصابات کسبه در شهرهایی چون روانسر، کامیاران، سقز، و مغازه هایی در کیانپارس اهواز و سنندج جریان یافت.

در گرگان امروز ۲۹ آذر مراسم یادبود آیدارستمی پزشکی جوانی بود که هفت روز قبل بدست جنایتکاران جمهوری اسلامی به قتل رسید. جمعیت زیادی در این مراسم شرکت کردند و شعار سر دادند. تجمع کنندگان شعار میدادند: "هیز تویی هرزه تویی زن آزاده منم"، "آیدای مارو بردن، جنازه اش رو آوردن".

در این روز همچنین پزشکان و رزیدنت های بیمارستان رسول اکرم و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران تجمع داشتند. دانشجویان شعار میدادند: "دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد"، "نظام پزشکی جانیه / دروغ میگه حامیه"، "خط فقر ۱۸ میلیون حقوق رزیدنت ۶ میلیون"، "هر یه نفر تعلق شه هزار نفر پشتشه"، "رزیدنت بیدار است از حرف زور بیزار است"، و "فکر نکنید امروزه

## ۲۹ آذر: گسترش اعتراضات خیابانی در دومین روز فراخوان سه روز اعتصاب

پادگان در خیابان شریعتی رفته و توجه بسیاری را به خود جلب کرده بود. فردا سومین روز فراخوان به اعتراض و اعتصابات سراسری است. بعلاوه کارگران پتروپالایش برای روزهای سوم تا پنجم دیماه همکاران خود در نفت را به اعتصاب و اعتراض فراخوان داده اند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نیز از این فراخوان اعلام حمایت کرده است. بعلاوه زندانیان زندان قرچک در کمپین سرود خود همه زندانیان و همه مردم در سراسر ایران را برای ساعت ده شب ۳۰ آذر به مناسبت طولانی ترین شب سال به خواندن دو سرود اعتراضی "زن" و "خون ارغوانها" فراخوانده اند. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ آذر ۱۴۰۱، ۲۰ دسامبر ۲۰۲۲

"مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای" را دادند.

امروز در پاسخ به فراخوان اعتصاب سراسری، کسبه و بازاریان در شهرهایی چون روانسر، کامیاران، و سقز در اعتصاب بودند و مغازه ها در کیانپارس اهواز نیز بسته بودند. در شهرک صنعتی سنندج همه مغازه ها بسته بودند. همچنین یک شکل اعتراضی مردم طی خیزش جاری، حمله به پایگاه های بسیج و مراکز دولتی و پایین کشیدن نمادهای حکومت است. امروز جوانان در پارک نهاروند به دکل های مخابرات، در فیروزآباد به دفتر امام جامعه و نماینده خامنه ای و در رودبار به ساختمان دادگستری کوکتل زدند. یک خیر جالب اعتراضی در تهران امروز از جانب سربازی بود که در اعتراض به اعدام ها با طناب دور گردن و دو بند اعتراضی در دست به بالای دیوار

میدادند: "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر حکومت بچه کش". در میدان انقلاب و چیتگر نیز مردم به خیابان آمده و شعارهای ضد حکومتی سر دادند. در چیتگر مردم شعار میدادند: "سپاه جنایت می کنه رهبر حمایت می کنه"، "ملت گدایی می کنه رهبر خدایی می کنه"، و "این همه سال جنایت مرگ بر این ولایت". در اصفهان در خیابان نیرو مردم از خانه ها شعار مرگ بر دیکتاتور سر میدادند. در سنندج در آیدر جوانان آتش روشن کرده و در شهر خیابانها را بسته بودند و علیه حکومت و مزدورانش شعار میدادند. در گلشهر کرج نیز جوانان با برپایی تجمع، خیابان را بستند و شعار دادند: "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر بسیجی". همچنین در گوهردشت جوانان به خیابان آمده و شعار زن، زندگی، آزادی را فریاد زدند. و در مشهد مرگ از خانه هایشان شعارهای

در تهران امشب در بسیاری از محلات از جمله در اکباتان، سروآزاد، تهرانسر، سرسبیل، تهرانپارس، نارمک، پونک، و انقلاب، مردم شعارهای مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای سر دادند. فریاد مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای در بسیاری از محلات طنین انداخته بود. در سرسبیل جوانان با آتش خیابان را بند آورده و شعار مرگ بر خامنه ای و دیگر شعارهای اعتراضی را فریاد میزدند. در صادقیه، اکباتان، شهرک آپادانا و سروآزاد مردم از خانه هایشان شعار میدادند: "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "بسیجی سپاهی داعش ما شمانید"، "وقتشه انقلابه راهشم اعتصابه"، "اعتراض اعتصاب می رسه به انقلاب"، و "فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی". در اکباتان سرکوبگران با فریاد شعارهای مردم، بسوی خانه ها شلیک میکردند. در پونک شعار

## ۲۸ آذر: اعتصاب و تظاهرات و شعار دهی در اولین روز از سه روز اعتراض سراسری

امروز ۲۸ آذر اولین روز از سه روز فراخوان اعلام شده سراسری به اعتصاب و تظاهرات مردمی علیه اعدامها و سرکوبگریهای حکومت و در تداوم انقلاب است. در پاسخ به این فراخوان اعتراضی امروز از همان آغاز صبح بسیاری از کسبه و مغازه داران کار خود را تعطیل کردند. شهرهایی که گزارشات تاکنونی از تعطیل کسب و کار در آنها خبر میدهند عبارتند از: ایوان غرب، سقز، سنندج، کامیاران، شاهین شهر، روانسر، قوچان، کرمانشاه، کرمان، در تهران بازار درویدان و شهرک بهشتی و نیز کوزران کرمانشاه.

همچنین رزیدنت‌های بیمارستان رسول اکرم و دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران در اعتراض به معوقات حقوقی خود اعتصاب و تجمع کردند. آنها شعار میدادند: "خط فقر ۱۸ میلیون حقوق رزیدنت ۶ میلیون"، "هر یه نفر تعلیق شه هزار نفر پشتشه"، "رزیدنت بی‌چاره حقش خوردن نداره"، "رزیدنت بیدار است از حرف زور بیزار است"، و "فکر نکنید امروزه قراره ما هر روزه".

یک خبر منتشر شده دیگر از اعتراضات امروز نیز تجمع دانش آموزان مدرسه‌ای در جوانرود با شعار مرگ بر خامنه‌ای بود. گفتنی است که کادر درمان و دانشجویان علوم پزشکی در اعتراض به قتل دکتر آیدا رستمی و سرکوبگری‌های حکومت در پاسخ به اعتراضات سه روز ۲۸ تا ۳۰ آذر اعلام فراخوان به تجمع داده بودند. در این روز همچنین دانشجویان

دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان خبر اعتصاب خود را رسانه‌های کردند.

مراسم های یادمان جانباختگان انقلاب بخش دیگری از حرکت های اعتراضی امروز بود. در این روز مراسمهای یاد بود امید مویدی در شیراز، پارسا رضا دوست در هشتگرد کرج و خاکسپاری محمد حاجی رسولی در روستای آلی کند بوکان بود. امید مویدی دانشجوی ۲۰ ساله در شیراز بود که در ۲۴ آبان بدست جانیان اسلامی با شلیک گلوله کشته شد و خانواده اش را زیر فشار وادار به سکوت کرده بودند. در مراسم یاد او بود مردم با طبل و سنج و رقص یادش را گرامی داشتند و جمعیت زیادی شرکت داشتند. پارسا رضادوست جوان هفده ساله‌ای بود که روز اول مهر با شلیک گلوله مستقیم نیروهای امنیتی در هشتگرد کرج کشته شد. رقص مادر پارسا رضادوست در این مراسم، رقصی تراژیک و سراپا خشم و نفرت از حکومت بود. رقصی که معمولا در عزای تازه داماد یا جوان در آستانه عروسی انجام می‌گیرد و در میان بختیاری‌ها بسیار مرسوم است.

در این روز محمد حاجی رسولی در زادگاهش روستای آلی کند شهرستان بوکان در میان حضور وسیع مردم و با فریاد شعارها و همخوانی سرودهای اعتراضی به خاک سپرده شده. محمد حاجی رسول پور، زندانی سیاسی سابق بود که در جریان اعتراضات مردمی در بوکان دستگیر و بر اثر شدت شکنجه در زندان به کما رفته و در بیمارستان قلبی پور

بوکان جان خود را از دست داد.

بخش دیگر فراخوان اعتراضی امروز به برپایی تجمعات و تظاهرات اختصاص داشت. امروز در تهران مردم در خیابانهای چون جمalzاده، اکباتان، ارمسبز و شهرک نفت پونک به خیابان آمدند و شعارهای اعتراضی سر دادند. همچنین شماری از مردم با شعاردهی بسوی میدان انقلاب راهپیمایی کردند. مردم شعار میدادند: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "حکومت بچه کش نمیخوایم"، "فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی"، "بسیجی سپاهی داعش ما شما نیست". از سوی دیگر در مترو انقلاب نیز فریاد شعارهای مردم طنین انداخته بود و مردم شعار میدادند: "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر حکومت بچه کش"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر دیکتاتور"، "خامنه ای قاتله، ولایتش باطله". همچنین در گوهردشت و خیابانهای مختلف کرج نیز مردم به خیابان آمده و شعارهای اعتراضی سر دادند. در گلشهر جمعیت زیادی به خیابان آمده بودند. در این شهر از جمله مردم شعار میدادند: "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان"، "تورم گرونی بلای جان مردم"، "حکومت بچه کش نمی‌خوایم نمی‌خوایم". در رشت مردم به خیابان آمدند و با روشن کردن آتش راهبندان کردند و جمعیت بسیاری در خیابان راهپیمایی کردند و شعارهای "آزادی، آزادی، آزادی"، "مرگ بر

دیکتاتور"، "و فریاد "مجید رهنورد" بر فضای شهر طنین انداخته بود. در مشهد مردم در خیابان وکیل آباد راهپیمایی کردند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند و یاد مجیدرضا رهنورد را گرامی داشتند. در کرمانشاه نیز مردم به خیابان آمده و با نیروی سرکوب درگیر شدند.

حمله به نمادهای جمهوری اسلامی و پایگاههای بسیج شکل دیگر اعتراض مردم در سراسر کشور است. امروز در شهر گله دار در استان فارس، گلپایگان اصفهان، اهواز، کرج، ملایر و یزد جوانان به پایگاه های بسیج کوکتل زدند. در قم نیز جوانان به حوزه ۶ پایگاه بسیج شهر کوکتل زدند و آتزا آتش زدند. همچنین آنها در اسفراین دکلهای صدا و سیما و در اسلامشهر بئر ستاد خبر حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی را آتش زدند. در راسک نیز مردم به نیروهای سرکوب حمله کردند.

یک روز پس از درگیری در زندان مرکزی کرج، محمد صادق اکبری رئیس کل دادگستری مازندران از وقوع ناآرامی در زندان قائم‌شهر خبر داد. بنا بر خبرها پس از ابلاغ حکم قصاص یکی از محکومان به اعدام، بند یک زندان قائم‌شهر در روز گذشته برای مدتی دچار ناآرامی شد. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

. نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ آذر ۱۴۰۱، ۱۹ دسامبر ۲۰۲۲

## ۲ دی: تجمع اعتراضی صد هزار نفره در زاهدان و شهرهای دیگر سیستان و بلوچستان، و دیگر شهرها

امروز دوم دیماه بنا به گزارشات بیش از صد هزار نفر از مردم در زاهدان در ادامه جمعه های اعتراض و در تداوم انقلاب به خیابان آمدند و شعار های اعتراضی علیه حکومت سر دادند. در این حرکت اعتراضی مردم زاهدان از جمله شعار میدادند: "این آخرین پیامه، اعدام کنی قیامه"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر سپاهی"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر

جمهوری اعدامی". در این تظاهرات زنان نیز حضور قابل توجهی داشتند.

همچنین در دست تجمع کنندگان بنرهایی علیه اعدام از جمله علیه حکم اعدام شعیب میریلوچ زهی ریگی برجسته بود. در این روز در شهرهای دیگر استان سیستان و بلوچستان همچون راسک و شهرستان گالیکش نیز تجمع و اعتراض علیه حکومت جریان یافت. امروز همچنین در سنندج در چهلمین

روز قتل عیسی بیگلری بدست حکومتیان تجمعی بر پا شده و مردم شعار میدادند: "زن زندگی آزادی"، "قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان". روز گذشته نیز مراسم یادبود مهسا موگویی دختر ۱۹ ساله ای که در ۳۱ شهریور بدست مزدوران حکومت به قتل رسید، برگزار شد.

حمله به پایگاههای بسیج و مراکز حکومتی و آتش زدن نمادهای حکومتی شکلی از اعتراض مردم است. امروز

جوانان در قهدریجان اصفهان به پایگاه بسیج کوکتل زدند. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ دی ۱۴۰۱، ۲۳ دسامبر ۲۰۲۲



نیروهای سرکوب از محیط کار کارگران بیرون روند و به امنیتی کردن فضای کار کارگران پایان داده شود. و باید مطالبات این همکاران فوریت پاسخ داده شود. با اتحاد و مبارزه تلاش کنیم تا همکارانمان فورا و بدون قید و شرط آزاد شوند. برگرفته از مدیای اجتماعی

### گزارش تکمیلی منتشر شده در کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت:

تا این لحظه اخبار دریافتی حاکی از این است که در شروع تجمع دیروز حدود ۳۰ نفر از همکاران ارکان ثالثی بازداشت شدند که ۱۵ نفر از آنها بعد از ظهر دیروز آزاد شدند. ۱۵ نفر دیگر کسانی بودند که از سرویسهای شرکتی جهت حضور در تجمع پیاده شدند. امروز قرار بوده که همکاران بازداشتی به دادگاه منتقل و تعیین تکلیف شوند. باید در سطحی وسیع به این بازداشت ها اعتراض کرده و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همکاران شد. یک راه این اعتراض، اعتصاب اختطاری است.

کارگران شدند. این ابعاد از بسیج نیرو برای مقابله با کارگران نشان از هراس مسئولین و دولت از تجمع و اعتراض کارگر است. بنا بر اخبار دریافتی در این روز تعدادی از کارگران معترض به محض حضور برای تجمع توسط مأموران امنیتی بازداشت شدند که هنوز خبری از تعدادی و اسامی همکاران بازداشتی دریافت نکرده



ایم. هم اکنون فضای مراکز نفتی در پارس جنوبی متلاطم و کارگران خشمگین از این زورگویی ها بر آزادی فوری همکاران بازداشتی و پیگیری مطالبات و اعتراضاتشان تاکید دارند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت تعرض به همکاران ارکان ثالثی و این بازداشتها را قاطعانه محکوم و از مبارزات و خواستهای آنها حمایت و پشتیبانی میکند. باید بساط پیمانکاران دزد و چپاولگر جمع شود و این خواست سراسری همه کارگران نفت است. باید

پیمانکاران، اجرای طبقه بندی، افزایش حقوق ها، برابری حقوق با نیروهای شرکت های پتروشیمی منطقه و برخورداری از آیتم فوق العاده ها، پاداش ماهانه، کارانه و حق تولید برگزار خواهد شد.

در پاسخ به این فراخوان صبح روز گذشته همکاران در تدارک برپایی تجمع

خود بودند که با سد نیروهای امنیتی روبرو شدند.

از جمله بنا بر گزارشی در عسلویه از ساعت هفت و ربع صبح سوم دیمان خودروهای انتظامی، نیروهای لباس شخصی و تعداد بسیار زیادی خودرو با پلاکهای شخصی با شماره های غیر محلی در میدان کاکتوس مستقر شدند. بطوریکه هر چند متر یک خودرو انتظامی از درگاه ورودی اصلی پارس جنوبی تا اطراف میدان کاکتوس مستقر بودند. و با این لشکر کشی مانع برگزاری تجمع

همانطور که گزارش کرده بودیم همکاران ارکان ثالث به خاطر مشکلات شغلی و معیشتی خود در فازهای پالایشگاهی مختلف برای روز سوم دی ماه فراخوان به تجمع و اعتصاب داده بودند. پایین آمدن حقوق ها و کسر ساعات اضافه کاری، واریز حقوق کمتر نسبت به ماههای قبل، کاستن از سقف اضافه کاری نیروها و پرداخت نشدن جمعه کاری و تعطیل کاری ها، و نگرانی از کاهش بیشتر سطح حقوقها از جمله موضوعات اعتراضات این همکاران در جاهای مختلف بوده است. از همین رو این همکاران برای ساعت هفت صبح روز سوم دیماه فراخوان به تجمع در میدان کاکتوس بلوار سیراف را داده بودند. در این فراخوان پیشنهاد شده بود که نیروهای پالایشگاههای ۱۲/۱۳/۱۹/۲۲ و ۲۴ که امکان آمدن به میدان کاکتوس را ندارند تجمع خود را یا در میدان تنبک و یا در جلوی پالایشگاههای خود برگزار کنند. همچنین از نیروهای شبکار خواسته شده بود که پس از خروج در محل های تعیین شده حاضر شوند. و نیروهای روز کار هم قبل از شروع تجمع وارد سایت نشوند. در این فراخوان از تمامی نیروهای پیمانی، قرارداد مستقیم و رسمی درخواست شده بود که به این فراخوان پاسخ دهند. خواستهای اعلام شده کارگران در این فراخوان عبارت بودند از:

## کمپین برای آزادی کارگران زندانی: صندوق حمایت از اعتصابات کارگری و کارگران زندانی

تشکیل صندوق حمایت از کارگران اعتصابی و کارگران زندانی



شماره حساب بانکی:

Coast Capital Saving

اسم بانک

شماره شعبه: ۱۹۶۴۰

شماره عضو: ۴۰۲۷۴۹۴۳

شماره تلفن: ۰۰۴۴۷۴۳۰۵۶۲۴۶۲

شماره مؤسسه: ۸۰۹